سیمای محيط زیست افغانستان
سیمای محيط زیست افغانستان

پرهاند دکتر حمید شاه جلال

۱۳۸۰ هـ / ۲۰۰۱ م
شناسنامه کتاب:

نام کتاب: نویسنده
پوهاند دکتر رحمان جلال
عکس پشتی: عکاس محمد رفیع
ناشر: اداره کتابخانه های سیار اریک
شماره مسلسل: 69
طبع اول: 1380 تیراژ: 500 جلد
تعداد صفحات: 70
سایز: 13.5 x 21 سانتی متر
آدرس ناشر: خانه، نفر دوم، رحمان بابا رود، پشت بکس 1/84
پورنویستی ناون، پشاور
تلفن: 45367 - 44392 - 45347
اریک@brain.net.pk
پست الکترونیکی:

کمیتر و طبع: مرکز خدمات کمپیوتری نصر، اتاق 124، منزل اول
گل حاجی پلازه، ارباب رود پشاور. تلفن: 46187
nlcc@pes.comsats.net.pk
پست الکترونیکی:

محل توزیع و فروش: دفتر اکبر (اداره، هم‌نگهی کمک ها برای افغانستان)

اقتباس از مطالب کتاب با ذکر ماجز است.
مرکز منابع نشراتی و اطلاعاتی اکبر (اریک) از چهار سال به این سو پروگرام ارسال کتابخانه‌های سیار را به ولایات افغانستان روي دست گرفته است. کتابخانه‌های سیار که به شکل صندوق های فلزی ساخته شده اند، در محل خاصی گذاشته می‌شوند. مردم منطقه كتاب ها را طور عادی می‌برند، می‌خوانند و به مردم گرد و نواح خوش می‌شنوند.

وقتی تمام کتابهای کتابخانه در منطقه خوانده شد، کتابخانه به منطقه دیگری انتقال داده می‌شود و یا تعدادی از کتاب های جدید به آن علاوه گردیده در همان محل باقی می‌ماند.

ما تلاش ورزیده ایم برای کتابخانه‌های سیار کتاب ها و نشراتی را گرد آوریم که زبان نگارش آن ساده و روان بوده، مطالب مورد نیاز مردم را داشته باشد تا آنها را در زندگی گی روزمره، شان در مسائل دینی، اجتماعی، اقتصادی، تعليمی، تربیتی، صحي، تاريخي، فني، مسلکی و... كمک رساند.

ما در همه لیگ پروگرام کتابخانه‌های سیار، این سروی را نيز انجام میدهيم که مردم به چه نوع آثار و مواد نیاز دارند و آرزونده مطالعه، كدام موضوعات و مطالب اند. ما نخست كوشش می‌نمایيم تا مواد و كتاب های تقاضا شده را از منابع مختلف (کتاب فروشی ها، مراکز نشراتی) تهیه و خریداری كنیم. در صورت عدم موجودیت آثار و مواد مطلوب در مراجع مذکور، اریک تلاش می‌بزد تا با تأليف، ترجمه و چاپالف
آثار مورد نیاز این خلاء را پر نمی‌گردید. به منظور تحقق این هدف از سه سال قبل کار برای چاپ و نشر کتاب‌های مورد نظر خوانندگان گان آغاز شده و از آن زمان‌ها اکنون اداره کتابخانه‌های سیار اریک با تشکیل مساعی مؤسسات محترم همکار، در این راستا گام‌های استواری برداشته و فعالیت‌های شریفخانی را به انحصار رسانیده است.
برای کار بهتر و سیستماتیک‌هایی مبتنی مشترک از نظر اداره گان اداره اریک و عده‌ی دیگر از محققان و نویسندگان انتخاب گردیده‌اند تا مرحله پلارک‌گذاری، آمادگی ساختن، چاپ و انتشار کتاب‌های مطلوب را که توسط مؤلفان و نویسندگان ماهر و مسلط تأثیر می‌شود، مشترکاً به پیش بردند.
اگر هیچ‌یک از همکاری صمیمی انجام‌ها خانم نانسی هج دری، سید محسن دینی هاشمی، خواجه غلام جیلانی شیبل، محمد شکیب افضلی و محمد رفیع است.
ما از خوانندگان گان عزیز خویش در دهات و شهرهای مختلف کشور که از کتابخانه‌های ما مستفید می‌گردند توقع داریم که نیازها، خواهشها، پرسش‌ها و پیشنهادات خویش را بفرستند و از نویسندگان و عالمان وطن تقداضا می‌کنیم که دارای راه‌های ما همکام گردند تا بتوانند برای مردم خود کتاب‌های بهتر و متناسب را تقدیم نمایند.
با احترام
(اداره کتابخانه‌های سیار اریک)
پیشگفتار

اسلام

برای رفتن خودت از زمین و مذاکه‌ای بی‌سمتی آن جهت بقا و تداوم حیات خوشی استفاده نموده و در نتیجه تغییراتی را در محیط طبیعی باعث شده اند. استفاده از مذاکه‌ای در ابتدا به دلیل کم بودن نگرش و نداشتن تکنالوژی موجوده جهت مهر کردن این مذاکه از یک نوع توانمندی نسبی برخوردار بوده ولی با گسترش جوامع بشری و ظهور مدنی های متعادل، فشار بالای مذاکه‌ای روبه رفته در نظر گرفته شده و نتیجه‌گیری‌های نهایی تابیتی بر پی بوده و حتی نزدیک الوقاپ یافته‌ای بوده. منشا مهاجرین از مذاکه‌ای آن برای رفتن خوشی استفاده نماید. متاسفانه این استفاده به‌بعد و حصر پیامدهایی را در قبال دارد که گاهی برای انسان و محیط و ماحول آن مطلوب می‌باشد.

هرگاه از مذاکه‌ای و داشته‌های که خداوند(ص) به مقدار معین در اختیار انسان گذاشته و او را مالک و فرمان روای آن قرار داده، به نحو آگاهانه و با در نظر داشت اصل صرف جویی و احتیاط استفاده می‌نماید، این مذاکه نه تنها نیازمندی‌های نسل های امروزی را پروره خواهد فورد بلکه نسل های آینده نیز از آن به صورت مطلوب بهره می‌نگارند. باشند گمان سرزمین باستانی افغانستان تیز از مذاکه و سیاست طبیعی برخوردار بوده و در طی قرون متمادی از مذاکه استفاده می‌نمایند. از برخی از این مذاکه طوی استفاده صورت گرفته که باصل حفظ و تداوم در تضاد بوده است. شرایط تاریخی نشان می‌دهد که حتی در گذشته های نه چندان دور ساخت و سازی از کشور ما به شمول کوه ها و کوه‌پایه ی یا متعادل پوشیده از جنگل‌ها و درختان ارزشمند بوده، و حیوانات...
وحنی وادی‌ها و بیابان‌های کشور را زینت بخشیده بودند. لیکن استفاده‌های نامعلوم، خروج و آز جهت بست آوردن پول، عدم آگاهی از اساس‌های مخی و زیست پشت با زدن به منافع ملی و همگانی خاص‌تر به این جنگ خانگان‌کش در کشور در بیشتر از دو دهه اخیر ضرره شدید و مهلکی بر پیکر اقتصادی و منابع طبیعی کشور حواله‌های مهربان است. در حال حاضر ساخت و سازی از جنگ‌لشات طبیعی کشور از بین رفته و در حالی که بیشتر کشور به انقراض کامل نزدیک شود، علی‌چه‌رها کشور ناپدید گردیده و عملیه، گسترش صحرا، تخریب و ضیاع خاک ساخت و سازی را تهدید نماید.

اداره کتابخانه‌های سیار اریک نظر به ارزش موضوع تالیف کتابی پیرامون مخی و زیست افغانستان را در برنامه‌ها و کار شاگان نگنجاندیها و از من تفاوت و فردی که در این زمینه با ایجاد همکاری قبیل. چون کتاب حاضر که مجموعه‌ای بادداشت‌های محقک نپوهاند دکتر احمدی جلیر یکی از دانشمندان جدید کشور است، نزد من موجود بود و ترجیح دادم که اثر مذکور در این سلسله طبع گردید.

قابل تذکر است که کتاب روز هدف پی ریزی یک استراتژی ملی برای حفاظت منابع طبیعی و مخی و زیست افغانستان تحریم گردیده بود، محقق آن از طرف بورد ایدنتوئری اداره، کتابخانه‌های سیار اریک مطالعات مصرف‌های پذیرفته شده، آن اداره تلحیص و عبارت گردیده است.

مطالعه‌های محترم‌ها در مجموعه‌ای برای شناسایی وضع فعلی منابع طبیعی مخی و زیست افغانستان مفید و نافع تلقی می‌گردد. امیدواریم خوانندگان گاه محقک از آن مستفید گردد.

عبدالواجد عادل
مسئول اتحادیه مخی و زیست افغانستان
فهرست

عنوان
صفحه
الف
1- پیشگفتار

2- محیط طبیعی
مقدمه
جغرافیه، اقلیم، فرش نباتی، حیوانات و حشرات، تاثیرات
معدن کاری بالای محیط زیست، ارقام اساسی.

3- محیط و اوضاع آن
منابع زمینی، استفاده از زمین، تأمین غذایی، کاهش
ذخایر طبیعی، تاثیر عدم تأمین غذایی بالای محیط
زیست، احیای مجدد محیط زیست، خلاصه، پرنسپ
های امتحانی فنی و تأمین غذایی، تأمین غذا در
افغانستان، علاям خطر برای افغانستان، مراتع،
مالداری.

4- جنگل‌ها
تعریف، تصنيف جنگل، مناطق جنگل های طبیعی
افغانستان، پارک‌های تفریحی، فرآیند جنگل، تخریب
جنگل، تعیینات جنگل داری، خلاصه، مطالب در باره
جنگل‌های افغانستان.

5- مأخذ
محیط طبیعی

مقدمه:
افغانستان از نگاه داشتن منابع طبیعی به کشور غنی بوده چنانچه دشت‌های هموار، لامرزوع، وادی‌های سرسبز، مناطق مرتفع و کوهستانی آن با تنوع خود، مناظر آنرا بی‌پایان ساخته، علاوه‌اکثر دریاها و تجمعات آبی به غنای طبیعی آن می‌افزاید. مناظر مختلف افغانستان هر کدام محیط طبیعی خاصی به دلیل پناهگاه جدایانه یی را برای حیوانات و نباتات وحشی مناطق متذكره مهیا می‌سازد.

قبل از تهذیج شورای سابق به افغانستان اگرچه توجه زیادی دریاده، حفاظت محیط زیست صورت نگرفته و اداره خاصی برای این منظور وجود نداشت، ولی بازهم تا حدودی در مورد آن مفکوره بی‌پدید شده بود. طریقه‌های نزد مصایضات حكومتی مقررات و لوازمی راجع به تنظیم سازمان تاثیر بسیار در دیگر، محیط زیست دیگه می‌شود. این اختلاف باعث نکه‌کشاندن حیات وحش به شمول پرندگان و جانوران گرددی در بود. به این ترتیب مناطقی مانند علاقه‌ی داری درجرد در جوار دریای آمر، در اجر هن از قسمت‌های مرکزی افغانستان، منطقه‌ی پامیر در شمال شرق کشور، کول حشمت خان در کابل و غیره تا مدت زیادی به حال اصلاً خود باقی مانده بود.
سیمای محیط زیست افغانستان

با تهاجم قواهی شوری ساق در افغانستان در پهلی و پیرانهای دیگر، محیط زیست افغانستان نیز بدون تأثیر طبیعه مداخلات همه جانی، آنها از قبیل ببارداشمان و باربی باهوی آتش افرزی، فیر هاوی و راکت، صخ整体ند و قطع درختان بهای میوه دار و جنگلی طبیعی برای احداث ساحه‌های امنیتی و استعمال‌گذاری زهردار، محیط زیست کشور را تخریب نموده و آنها برهم ساخت.

بعد از خروج قواهی شوری تا هنوز هم وضع امنیتی افغانستان استقرار نباید نکره است. ازین‌رو برای مقامات حکومت فرستانت پیدا نشده تا در جهت حفاظت محیط زیست تجاوزی اتخاذ نمایند. با مسرت باپد اظهار نقل که در سال‌های اخیر یکدیگر اشخاص و مؤسسات آگاه از داخل و خارج افغانستان توجه خود را در جهت حفاظت محیط زیست این کشور مبذول داشته و قدم هایی را درین راه برداشته اند. تا اینکه توجه مقامات حکومتی و مردم منطقه را برای حفظ و نگهداری لازم ماحول شان جلب نمایند. هدف این فعالیت‌ها چنین است تا حیوانات و نباتات این سرزمین نگهداری گردیده و سعی می‌گردد تا انواع نادر آن از انقراض نجات داده شوند. مطالعات نشان داده که حیات وحش افغانستان رو به تقلیل گذاشته، قسمتی از گوره خر زمانتی به گله‌ها در دشت‌های غربی کشور پدیده می‌شدند. فعلاً گاه‌گاهی به طرف داخل افغانستان دیده شده اند. هنگام پلنگ برقرار، گوزن، آهوی کوهی و غیره تحت تعقیب جدی شکار گرفته و به همین منوال پرده گانی مانند: باز، تلور، یکلپک سایری‌ای، فلامینگو و غیره روژیز به روژ کمتر شده می‌روند. هنگا مداخله انسان در طبیعت نظم عادی آنرا برهم زده و باعث تخریب محیط زیست گردیده است.
بنابرآن ضروری پندارشته می‌شود تا ذهنیت مردم و مقدمات رسمی در مورد محیط زیست آنها روسن گردد تا در نتیجه قدمهای مؤثری را در زمینه بهداشت ببرند. ولی این موضوع به این ساده گی حل نمی‌شود بلکه یک پراملب اجتماعی است که باید با تدبیر حل شده و طریق معقول و پلان‌های درازمدتی برای آن سنجیده شود.

اساسی‌ترین راه حل پراملب‌های محیط زیست تبدیل نقشه طبیعی و به مبان آوردن یک ستاره‌ی آتش که باید به سطح ملی باشد. بنابرآن ستاره‌ی ملی حفاظت محیط زیست افغانستان که در قدم بعدی به مبان خواهد آمد باید طوری جانبه طرح ریزی گردد. خیلی‌ها ضروری دیده می‌شود تا واقعیت‌ها جزئی با تاثیرات ناجاگران زمان جنگ افغانستان مطالعه و ارزیابی گردده. اعدام و ارقامت به شکل معلومات عمومی جمع‌آوری شود تا به وسیله، آن اساساتی برای اتخاذ آینده به دسترس قرار بگیرد. برای محقق این موضوع باید از تجربه‌ی گذشته و به خصوص از تجربه کشورهایی که محیط زیست آنها به افغانستان شباهت داشته باشند، نیز استفاده به عمل آید.

از نظر برای پراملب‌های محیطی سرحد مشخص نداشتند و به کشورهای دیگر منطقه را به سطح جهانی ارتباط می‌گیرد. بنابرآن این موضوع همکاری نزدیک با کشورهای همسایه، شاید گی های ملی متحد و دیگر مؤسسات بین‌المللی مطالعه گردده و در معرض تطبیق قرار داده شود. از نظر به منظور به مبان آوردن ستاره‌ی ملی برای حفاظت محیط زیست افغانستان باید اهداف مشخص در نظر گرفته شود که به وسیله، آن پلان‌های طرح شده این بخش مورد تطبیق قرار داده شده بتواند. اهداف متذکره بايد شامل نقاط ذیل باشد:
سیماي محیط زیست افغانستان

1- حفاظت منابع طبیعی.
2- انکشاف مناسب و استفاده معقول از منابع طبیعی.
3- اداره منابع طبیعی.

برای دستیابی به اهداف فوق ضروری پنداشته میشود که تماس هایی با مردم صورت گرفته و همکاری همهم جانبه آنها جلب گردد. این تماس ها در صورتی مؤثر واقع میشود که حفاظت محیط زیست با جنبه های اقتصادی آن ارتباط داده شده و نخست راه های بهتر برای ارتقای کیفیت جویانه داشته تا به وسیله آن مردم به همکاری داوطلبانه تشوق گردد. در پهلوی قاس ها با مردم اجابة می‌نماید تا ارتباطاتی با مقامات رسمی نیز بر قرار گردد و آنها متقین گردد که در زمینه‌های حقوقی همکاری داشته و در نتیجه پرنسبه‌ها و مقررات راه وضع کنند تا به وسیله آن در حفظ محیط زیست از نگاه قانونی با پشتیبانی دولت نیز اقداماتی صورت گرفته بتواند.

از طرف دیگر لازمی شمرده میشود تا مردم و مقامات ذیربت از طریق نشرات، مفاهیم و منجمله تعليمات لازمی محیطی متنوع مستلزم‌های فردی و اجتماعی شان در قبال محیط ساختمانی شوند. به این ترتیب زمینه‌های محیطی و احوال جنگلی نیز فراهم شود. کشور جنگ زده افغانستان به اعمار مجرد نیاز دارد، ازینرو احداث ساختمانهای مسکونی و دستگاه های صناعی روی دست است که بعضاً بین مؤسسات کمک کننده رقابتهای هایی نیز وجود دارد. در همین فرصت اجابة می‌نمایید که پوزش‌هایی اعیان مجرد و انکشافی آنها محیط زیست نیز بررسی و ارزیابی گردد. به این ترتیب جلو مداخله‌های نامناسب انسان در محیط زیست گرفته می‌شود. از برم خوردن توازن طبیعت جوگیری به عمل می‌آید. در پهلوی این فعالیت‌ها مطالعه
محیط زیست از طرف یکدیگه اشخاص مسلکی ضروری بوده و برای رسیدن به این هدف باید بالای یک سلسله پره یان از تحقیقاتی غور شود تا از طریق آنها در حفاظت محیط زیست به شکل مؤثر پرداخته شده بتواند.

با درنظرگرفتن مطالعات فوق ساختمانی فعالیت به ارتقاء محیط زیست دارای یک طرف و سویی است که در آن از اشخاص انفرادی تا گروه‌های اجتماعی، مؤسسات دولتی و غیر دولتی شامل بویده و باید همین آنها به همکاری نزدیکی با یکدیگر بذل مساعی می‌نمایند. هدف موضوعات قابل دقت نباید خیلی زیاد می‌باشد. با یک اولیت مناسب شنوید و این موضوع نیز در تفاهم و مشوره با مردم محل و مطابق شرایط وقت صورت بگیرد.

جغرافیه:

افغانستان سرزمینی است که قسمت‌های مرکزی و شرقی آن در مناطق کوهستانی تشکیل داده، دره‌های سرسروز بین کوهستان‌ها و همسایگان و سپس در مناطق غربی و جنوب غربی این کشور با تنوع مناظر طبیعی خود بر زبان‌های آن می‌افزاید. از میان این کشور در وسط آسیا قرار گرفته، همساره مورد دلچسبی دیگران واقع شده است که مثال برگسته، آن در زمان باستانی راه معروف ابریشم بود که به منظور تجارت از چین به طرف غرب از شمال افغانستان عبور می‌نموده بود. هکذا لشکرکشی اسکندر کبیر از یونان به طرف هند از طریق یک همین کشور صورت گرفته بود. قابل ذکر است که این جریانات بالایی محیط زیست بدون تأثیر فرشته و به خصوص آن‌هایی از عسکر یونانی که در افغانستان باقی مانندند به‌طور یک گروه انتخابی عنوان‌ها و کلیه‌ها خود را
نگهدارنشین که در مجموع مشت ارژیابی می‌شود، زیرا حفاظت جنگل و حیات وحش آن یکی از عنوان‌های آنها بوده و از همین سبب نبیز تا اواخر نزدیکی جنگل‌های نورستان به شمول حیوانات آن محفوظ نگهدارشته شده بود.

بیشتر قسمت‌های افغانستان در ارتفاعات بلند واقع بوده و توسط سلسله‌های أعماق می‌رتفع از هم‌دیگر جدا شده اند. روی‌هم‌رفته در حدود ۴۹ فیصد ساحه، منتشر بهبیش از دو هزار متر ارتفاع دارد. سلسله معروف کوه‌های افغانستان از پامیر در شمال شرق شروع شده که به طرف مرکز مسیر داشته و بعداً به طرف غرب یعنی هرات و دیگری به طرف جنوب غرب در وادی هلمند ادامه دارد.

ارتفاع این سلسله جبال از پامیر به بعد طور تدریجی تقلیل می‌یابد. منطقه‌ای، اصلی پامیر از سه هزار متر بالاتر شروع شده و قلل مختلف آن ۲۵۲۰ متر نیز می‌رسد که از ارتفاعات ۴۰۰۰ متر به بالا دارای پوشش برف‌های دایی می‌باشند. بین پامیر و کوه‌های مناطق مرکزی بالارفت‌ها نسبتاً کمتری ساحات وادانی، به‌دسی و نورستان واقع است.

در مجموع مناطق کوهستانی سرد بوده طریبیه حرارت پایین آن تحت نقطه احتمال و درجه بالایی آن یعنی ۲۶ درجه سانتی‌گراد می‌رسد.

خاک این منطقات برای چراغ‌ها و سایر محصولات مساعد می‌باشد. مناطق مرکزی افغانستان در حدود ۲۵۰ متر ارتفاع داشته که قله، بلند آن به ۴۲۷ متر می‌رسد.

از سلسله جبال مرکزی دریاهای عمده یعنی کابل، هلمند و هیرود سرچشمه می‌گیرند. به این اساس منابع اصلی دریاهای افغانستان مناطق کوهستانی بوده که در موسم بارانی توسط باران و در تابستان از اثر
ذوب شدن برف دارای آب میباشد. در بعضی اوقات سال قسمتاً کم آب و یا خشک نیز میباشد. طولترین دریای افغانستان هلمند است که آب دامی دارد. تفاوت مقدار آب و اندازه باران طبیعی بالایی سرسپزی کشور تأثیر انداخته و باعث به میان آمدن محيط های مختلف میگردد.

قسمت های غربی و جنوبی کشور با ارتفاع کمتر خود بین ۱۰۰۰ تا ۴۰۰۰ متر از مناطق گرم افغانستان محسوب میشود. بزرگترین دشت های افغانستان عبارتند از دشت ربیکی ریکستان و دشت خاکی مارگور در جنوب غرب کشور. پایین ترین منطقه افغانستان خم آب در شمال کشور میباشد که ارتفاع آن ۲۵۹ متر از سطح بحر میباشد. دشت های افغانستان با ریگ و خاک پوشیده است که یک قسمت نباتات طبی نیز در همین مناطق پیدا میشود. حتی مناطق شوره زار کشور نیز دارای یکی از نباتات خاص خود به شمول نی و آغ میباشد.

فعالیت های زراعتی بیشتر در مناطقی صورت میگیرد که نسبتاً بارانی بوده و در دره ها و وادی های قرار دارند که توسط دریاها آبیاری میشوند. مناطق کوهستانی قسمتاً بدن جنگل بوده ولی قسمت های جنوب و شمال شرقی کشور چنگلزار میباشد که دارای تنوع بیولوژیکی خاصی اند.

اقلیم:

تنوع ساختمان فزیکی و جغرافیایی افغانستان بین سلسله گبال مرتفع الی دشت های هموار و ریگستان باعث میشود که اقلیم آن خیلی ها متفاوت باشد. طور عمومی اقلیم افغانستان خشک بوده و تفاوت زیادی بین حرارت روز و شب و موسم های مختلف سال موجود است. مقدار
سالانه، پاران نیز اکثراً در حدود ۴۰۰ میلی متر میپیامده که این اندازه نیز نظر به منطقه فرق دارد. چنانچه قسمت های ساحلی در غرب و جنوب کشور کمترین اندازه باران را داشته و حواشی پست کوه های مرکزی که بیشتر خصوصیت نیمه ساحلی دارند، مقدار بارانه گی آنها ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلی متر در سال میپیامده بلندترین اندازه، رطوبت سالانه در سالنگ ۱۲۱۲ میلی متر و پایین ترین آن در زرنج در حدود ۳۴ میلی متر میپیامده.

مناطقی که به طرف جنوب و جنوب شرق واقع اند مرتبط بوده و جنگل‌های افغانستان نیز در همین حوزه قرار دارند. دریاها افغانستان که از کوهستان‌های آن سرچشمه میگیرند در این طرفه، مسیر خود زمین‌های آب‌پیاز و باعث حاصل‌خبازی آنها می‌گردد که ذین بیشتر باید یک اقلیم منطقه تأثیر مطلوبی می‌اندازد. آب دریاها مهم‌ترین ارتفاعاتی می‌باشد که پوشیده از برف بوده و در بهار و تابستان ذوب میگردد، یکی از مزیت‌های میپیامده در مواقع مختلف سال باعث سیلاب‌ها می‌گردد که فرسایش خاک را همراه دارد. آبی‌اری زمین‌های زراعتی به وسیله این به راه‌های ضروری بوده زیرا مقدار بارانه گی ها اکثر از غیر کافی میپیامده و زراعت لمعی نیز نظر به اندازه بارانه گی در هر سال تفاوت دارد. باران‌های موسیقی نیم قاره هند نیز از قسمت جنوب شرقی افغانستان رسیده و این منطقه را مرتبط میپیامده.

درجه، اعظمی حرارت تابستان در قسمت های شرقی افغانستان الی حدود ۴۷ درجه، سانتیگراد، در قسمت جنوب غربی آن مانند زرنج الی ۵۱ درجه سانتیگراد ثبت شده است. در کابل نیز که ۱۸۷ متر ارتفاع دارد حرارت اعظمی تابستان الی حدود ۳۸ درجه می‌رسد. حرارت مزکور در مناطق مرکزی افغانستان در حدود ۲۵ درجه، سانتیگراد و
حتی کمتر میباشد. کمترین درجه حرارت زمستان در مناطق بند پایان‌تری از نقطه انجامد بهو می‌باشد. درجه حرارت کشور در منطقه شیرک در ولایت غور (۵۵-۵۶) درجه سانتی‌گراد ثبت شده است. درجه وسطی حرارت کشور در تابستان (سرطان) درجه سانتی‌گراد بوده که در جنوب غرب در همین ماه سال ۳۵ درجه سانتی‌گراد و در کوه‌های ساختارهای متفاوت است.

شکاف باد در افغانستان به تناسب بعضی کشورهای دیگر کمتر می‌باشد. ولی ازینه سیستانی قسمت‌های کشور را دشت های خاکی و ریگی تشکیل می‌دهد و هنگا سر کهای عمومی از اثر جنگ‌های دوامدار تخریب شده که اسفلت آن از بین رفته و خال آن باقی‌مانده است. بنابراین بادهای کمتری هم گرد و خال زیادی نیستند. در مناطق دیگر که شدت باد بیشتر است فرسایش خاک نیز زیادتر می‌باشد. از جمله بادهای معروف ۱۲ روژه ولایت هرات را می‌توان نامبرد که سرعت آن از ۱۷ کیلومتر در ساعت ثبت شده است.

فرش نباتی:

فرش نباتی افغانستان وابسته به عوامل مختلف جغرافیایی مانند:

ترکیب خاک، ارتفاع، اندازه، رطوبت، درجه حرارت، شدت باد و غیره می‌باشد و یک طیف وسیعی از نباتات پست و کم دوام الی نباتات عالی و دوامدار در ترتیب های مختلف افغانستان به مشاهده می‌رسد.
سیمای محیط زیست افغانستان

مطالعات متعدد نشان می‌دهد که در زمانه‌های گذشته قسمت اعظم افغانستان دارای جنگل‌ها و سیبی ایستاده است. استفاده‌ها، نامعقول و قطع جنگل باعث شد که به مرور زمان جنگل‌هایی مذکور از بین بروند. فعلاً یک انداده‌ای محدود آن باقی‌مانده است که آن‌ها عین سرنوشت را تعقیب می‌کنند. زیرا تا حال نیز تدبیر لازمه برای نگهداری جنگل اتخاذ نشده و هنوز هم تخریب بیرحمانه آن به منظور استفاده‌های شخصی ادامه می‌دارد.

طوریکه روزانه تعداد زیادی ها از پیش‌بین بچه، هزاران پا در فومن به خارج کشور صادر می‌گردد.

دشت‌های غرب و جنوب افغانستان که دارای انواع مختلف بته‌های کم‌دوام و دوامدار می‌باشد، بیشتر ساحه‌های جرگاه‌های مردم‌مان کوچی را تشکیل می‌دهند. اندازه‌استفاده از جرگاه‌ها نقیز بالایی فرش نباتی تأثیر می‌آورد. این‌گونه استفاده از حد زیاد باعث تخریب جرگاه‌های می‌شود.

نسبت استفاده‌بیشتر از جرگاه‌ها نباتات اصلی با دوام این توسط نباتات بکساله تحویض گردیده و در هنگام خشکسالی‌ها تعداد زیاد حیوانات اهلی طور جمعی تلف شده‌اند. جنگل‌های اصلی واقع در دره‌های مربوط دریاهای برگ توسط زراعت آبی تحویض گردیده و در ساحات‌های سیلابی‌های منظم وجود دارد نباتات مانند بیسی و نئی رویش به نظر به وقوع سیلاب‌ها در چنین مناطق انواعی نباتات طبی به مشاهده می‌سرد.

در امرداد بستری‌ها مرطوب دریاهای درختان میوه دار مانند: سیب، نارنگی، بادام و... وجود دارد. آبهای ایستاده‌یا جهش مانند: هامور پوزک، کول حشمت خان و غیره بیشتر نیز اطراف از جمله نباتات عالی در آب ایستاده‌گزنی و در دشت‌ها ناور بعضی انواع آن موجود است. در ارتفاعات ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ متر شمال و جنوب هندوکش درختان بادام
سیمای محیط زیست افغانستان

میپرود. در حوالیه در ارتفاعات یون اند یون بروک دشت درختان بادام توسط جنگل‌های پسته‌ته تعویض می‌گردد که متأسفانه این جنگل‌ها نیز از اثر استفاده، نامعقول در معرض تخریب قرار دارند. پسته‌های بی که در دامنه‌های جنوب هندوکش پیدا می‌شود از نوع اصلی بوده که همراه با یک تعداد نباتات طبی است. در حوالیه در نواحی لوگر و کابل بیشتر یکنجمه وجود دارد. در ارتفاعات یون اند ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ متر انواع مختلف بته‌های کوهی به مشاهده می‌رسد. در شمال هندوکش بیشتر جنگل‌پسته و غیره پیدا می‌شود.

در ساحات پاپین دره‌کابی‌بک قبیله‌ای جمیب و زمستان نسبتاً ملایم، علوفه، بادام و بته‌های همیشه بهار و درختان کوچک نسبت چریدن زیاد حیوانات و جمع‌آوری هیزم تقلیل پیدا کرده و توسط نباتات یکساله تعویض گردد است.

در ارتفاعات یون اند ساحه‌های زیر ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ متر بیشتر درختان بلوط همراه با یک اندازه درختان بادام و یکنجمه وجود دارد که از آن‌ها نیز استفاده می‌شود و در حال تخریب قرار دارد. در ارتفاعات یون اند ۲۴۰۰ تا ۲۹۰۰ متر انواع دیگر بلوط تبارز کرده است.

در ارتفاعات یون اند حدود ۲۴۰۰ متر نواحی پکتیا و نورستان جنگل‌های همیل‌پایی مشتمل بر درختان سوزن ورگ مانند: ارچه، نشتر، سرو، صنیب، بلوط، غیره وجود دارد. متأسفانه جنگل‌های افغانستان در مجموع نسبت استفاده از حد زیاد و عدم موجودیت اداره‌ای لازمه در حال تخریب قرار دارند.

حیوانات وحشی:

تنوع محیط فزیکی و مسکن‌های مختلف در افغانستان باعث شده که حیوانات آن نیز انواع زیادی داشته باشند. مطالعات درباره حیات
وحشی افغانستان نشان می‌دهد که در گذشته انواع بیشتری نیز درین کشور زیست داشته‌اند. ولی از اثر تعقیب و شکار زیاد به کلی از بین رفته و اگر بعضی از انواع جالب‌های به‌قایتی مانده باشند، تعداد شان تقلیل یافته و در صورت دوام این حالت شاید آنه‌ها نیز انقراض پیدا کند. از جمله حیوانات بزرگ و حشی میتوان از شیر و پلنگ نام برد. هر دو حیوان متندرکه قبلاً در صحافی شمال کشور زیست داشتند و فعلاً از بین رفته‌اند. هنگا پلنگ نیز به عین سروش دچار شده است.

حیوانات قابل ذکر دیگر عبارتند از پلنگ به‌فراز که در پامیر و پلنگ که بیشتر در کوهستان‌های شرقی و جنوبی افغانستان به مشاهده می‌رسند. این حیوانات نیز نسبت استحکام بالا آنها شکار گردیده و در معرض تهدید قرار دارند. قابل بادآوریست که حیوانات متندرکه خود را از حیوانات سُمادار منطقه تغذیه می‌نمایند.

در قسمت های شرقی افغانستان و نواحی قندهر پلنگ شنیدی و هنگا در اطراف قندهر کفتار پیدا می‌شود. در نواحی واخان، نورستان و کوتل شیر حیوان دیگری به نام سیاه گوش یافت به سر می‌برد.

به‌همین ترتیب در قسمت‌های شرقی، منطقه سالگنگ و شرق افغانستان انواع مختلف پلنگ های وحشی مانند قرق قل، پشک کوهی و غیره پیدا می‌شود.

از حیوانات وحشی اینبه تقریباً در همه قسمت‌های افغانستان زیست دارند گرگ، شغال و روباه سرخ میپاشند. موش خرما بیشتر در قسمت‌های شرقی و از جمله زیادتر دلته خفک، موش پلنگ، گورکار و غیره در قسمت‌های شمال، جنوب و شرق افغانستان پیدا می‌شوند. سگ لاهو در قسمت‌های شمال و نورستان قائم در ساحه دوواز و خرس در نواحی پامیر و پنجشیر پیدا می‌شود.
گوره خر زمانی در افغانستان خیلی زیاد بود که شکار آن نظر سلاطین و شهرزاده های وقت را به خود جلب می کرد. دوره های بعدی نیز در زمینه کوبهای تاریکی و در شکار حیوانات مذکور به قدر کافی پرداختند تا اینکه گله های گوره خر از دشت های غربی و جنوب غرب افغانستان تقلیل یابد کردند و بیشتر به طرف ایران که در آنجا تحت حمایت قرار دارند، رجوع نموده اند. ولی در خود افغانستان نیز بعضاً گله های تا حدودی در صد حیوان دیده شده است.

حیوانات دیگری مانند آوی اشبی در دشت های جنوب غرب و بعضی در قسمت های شمال، آوی کوچک در قسمت های پامیر، نورستان و بعضی از مناطق مرکزی دیده شده در حالیکه آوی مارخور بیشتر در شمال و شمال شرق افغانستان زیست دارد.

در مناطق مرتفع پامیر قبیل مارکورپلو زیست داشته که آن هم زیر تهدید شکار قرار دارد. ولی محیط طبیعی آن که نسبتاً صعب المور بوده باعث شده است که این حیوانات تا حدودی محفوظمانند.

در نواحی دریای ارومیه و جنوب افغانستان خوک و حشی و در نورستان شادی رهیز و انتشار دارد. در قسمت های مرکزی و شمال شرقی چیبو و در ارتفاعات بالاتر از ۲۸۰۰ متر کوه هندوکش تیرگان زیست دارند.

ازینکه افغانستان در مسیر مهاجرت پرندگان از قسمت های سردر شمال به طرف مناطق گرم نیم قاره هند و افریقا واقع است، یک تعداد زیاد پرندگان گاه از عربی کشور در آبهای ایستاده و جهیل های آن توقف و حتی تخمگذاری می‌نمایند. از جمله، پرندگان نادر کلمگ ساپیریایی و فلامینگو بوده و از جمله پرندگان شکاری باز و تلور می‌باشند. بعضی انواع این پرندگان که مورد حمایت ملی
حمایت حیات و حش نیز قرار دارد؛ بدون کنترل به بازارهای خارج به قیمت زیاد به فروش می‌رسد. اگرچه قیمت از جنگهای اخیر کشور در مورد منع صدور قرار داشت ولی این موضوع چندان رعایت نگرده و فعلاب هم مقرراتی دریان بخش به دسترس وجود ندارد.

هکذا انواع مختلف امفهمی ها، ماهی ها، حشرات و غیره نیز در افغانستان انتشار دارد که حشرات آن مانند مخل صحراوی و غیره وقتاً فوقتاً باعث آفات زراعتی نیز می‌گردد.

مشاهدات خود ما و راپورهای مختلف منجمله راپورهای FAO در سال‌های 1971، 1981 و 1984 حاکیست که حیات و حش افغانستان در حال تهدید و انقراض قرار دارد. علت این گونه تعقیب‌های دسترسی به اصل‌هه، فقدان مواد غذایی، فقر و عدم کنترل و نبودن مقررات در مورد شکار دانسته می‌شود.

تأکیدات معدن کاری بالایی محبیت زیست:

اگرچه در افغانستان یک حالت استفاده‌ای و سیاسی از معادن سوزرت نگرفته است ولی از فعلیت‌های انجام‌یافته در ساحه معادن و از تجارب دیگران بعضی موضوعات را در نظر گرفته می‌توانیم. استفاده‌ای از معادن همواره با مسایل محیطی ارتباط دارد زیرا معادن به شکل سطحی و یا در داخل زمین موجود می‌باشند، که بايد کنند کاری شده و مورد استفاده قرار بگیرند. در هر دو صورت برای دسترسی به معادن از وسایل تخبینی استفاده می‌شود که این وسایل خیلی ساده مانند: بیل، کلنگ، برمه و غیره می‌باشند و یا درین ساحه و سایل مدرن تخبینی که کار انداخته می‌شود. مواد سطحی توسط کنند کاری، انفجار دادن (سرنگ‌پرایی) و غیره به دست می‌آید که اکثر با تولید آوازه‌های مهیب
سیمای محيط زیست افغانستان

و پاچیده شدن مواد در اطراف محل کار تواو میباشد. صدها یا یکه از اثر سرنگ پرانی یا تولید میشوند و یکطرف باعث اذیت و نفرار حیوانات وحشی شده و از طرف دیگر بی‌بی‌ساخت مقدراد زیاد سنگ، به شدت سیلاب می‌افزاید. در نتیجه بندهای آبی از لوش و گل پر گردیده و ظرفیت ذخیره آنها کم می‌شود.

هکذا جغله ساختن و میده کردن مواد منع‌ناپذیر برای تولید سمنت و غیره سبب تولید گرد و خال می‌شود که در اثر آن آلوده گی هوا، خال و آب به منابعی آید. به همین ترتیب کندن کاری زمین به منظور تهیه ریگ و گل برای خشت مالی و غیره ضروریات تعمیراتی منظور، می‌بینیم چرخه‌ای ناخوش‌گوار می‌سازد. به همین ترتیب برای استوار نگهداشت و اتکای صوف‌های معدنی، به خصوص در معادن ذغال سنگ یک مقدار زیاد کوب به چه پایه‌های استنادی بکار می‌رود که در نتیجه یک مقدار انرژی ذخیره یا بی‌خیاب می‌سازد. علاوه‌اً فعالیت معادن داخل زمین ایجاد می‌نماید تا یک مقدار زیاد سنگ و غیره مواد جامد اضافی از معدن خارج شده و در اطراف دهانه، معادن انتار گردید که به مرور زمان باعث تراکم مواد در محیط شده و محیط فیزیکی همان منطقه را برهم می‌سازد.

اجرا کار در معادن به سلسله تأثیرات نامطلوب صبح بالای کارکنان آن وارد می‌سازد که اکثری از حد مجاز تجاوز می‌کند و عبایت از تاثیر گرد و خال مواد فلزی و غیر فلزی، تخريشات صوتی و اهتزازی از اثر سرنگ پرانی، بروه کاری و غیره، گرمی و سردی، فشار خسته گی های دایی، اثرات مواد کبیسا و رادیو اکتیف، گازهای داخل معدن و ایجاد که دیزلی می‌باشد. بنابر آن ضرورت احساس میشود که هم تداوم حفاظتی برای نگهداری صحت کارکنان معادن اتخاذ گردد و هم در نظر گرفته شود که حين چرخان کار در معادن تأثیرات محیطی همیشه می‌باید بهره و ارزیابی گردد. بعد از ختم فعالیت معادن و مسدود شدن آن باشد محیط برهم خورده، آن دوباره اصلاح و احیاء شود.
ارقام اساسی:

یکی از ضرورت های اساسی برای پلانگذاری و اتخاذ تدابیر محافظه برای محیط زیست داشتن ارقام احصائی است که روي پرنسپ های علمی جمع آوری شده باشند. متأسفانه افغانستان در این ساحه خلای بزرگی داشته و بنابر علل مختلفی ارقام کافی به دسترس قرار نداده. علل عمده آن حالات جنگی در کشور است که از اثر آن ادارات رسمی مانند وزارت های زراعت، پلان، احصائی و غیره اشخاص مسلکی کافی و سایر امکانات لازم را به دسترس نداشتند. هکذا از اثر تغییرات متوازن پرسردل در ارغوانه دلتی تسکیل کار از بین رفته که در نتیجه اشخاص مؤنث از سوابق کار اطلاعی ندارند. قابل تذکر است که قبل از جنگهای اخیر از دهه 1970، یک اندازه ارقام جمع آوری شده بود، ولی نسبت عدم توجه در نگهدارش آن این ارقام نیز فعلاً به دسترس قرار ندارند.

در سالهای جنگ بعضی NGO ها نیز در جمع آوری ارقام اقداماتی کردند، ولی آنها سیاست‌هایی به همه نقاط افغانستان سفر کرده و معلومات لازم را به دست بیاورند. ارقامی که به ارتباط محیط زیست به دسترس است، بیشتر در مورد زراعت بوده و اگر در مورد جنگل‌ها هم وجود داشته باشد برای یک سازمان محدود کشور خواهد بود. این نتایج ارقامی که از آن راجع به اندیشه‌های دخیل منابع طبیعی استفاده شده بتواند کمک به دسترس قرار داد. این سبب به‌اید اقدامات مؤثری در زمینه صورت بگیرد. روی‌هم‌مرفته برای پلانگذاری آینده در ساحه حفاظت محیط زیست خیلی یا ضروری است تا حالات موجوده جنگل‌ها زمین‌های زراعتی، چراغ‌ها و سیستم‌های آبیاری سروی و ارزیابی گردید.
محيط واوضاع آن

منابع زمینی:

استعماله از زمین:

استعماله از زمین در ساحاتی صورت می‌گیرد که دارای تنوع بیناتی بوده و در موارد مختلف به کار برده می‌شود. زمین‌های قابل استفاده، افغانستان به سه کتگوری عمده تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱- زمین‌های زراعتی
۲- مرکز
۳- جنگلات

در میان هر سه کتگوری از جمله بودن، هکتار می‌باشد که ۲۴٪ اراضی کشور را می‌پوشاند، ولی این اندازه را قدری بالاتر فکر می‌کنند. مساحتی که در اطلس جغرافیایی افغانستان دریچه درج است، ۸ میلیون هکتار می‌باشد. زمین‌های قابل ذرع ۲ میلیون هکتار (۷۵٪) و ساحه جنگلات ۲ میلیون هکتار نشان داده شده است که در جدول ذیر توضیح می‌گردد.
<table>
<thead>
<tr>
<th>سهیلی</th>
<th>جغرافیایی (٪)</th>
<th>اندازه ساحه (میلیون هکتار)</th>
<th>نوعیت ساحه</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>08.0</td>
<td>37.8</td>
<td>مراتع</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>12.0</td>
<td>7.9</td>
<td>زرعت</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>3.4</td>
<td>2.2</td>
<td>جنگل</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>26.6</td>
<td>18.0</td>
<td>بدون تفریق</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>100.0</td>
<td>65.9</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

قرار راپورهای UNDP در سال 1989، از جمله 7.9 میلیون هکتار از جمعیت ۳۲ میلیون هکتار در کشور ما که زراعت و یا اینکه ۱۵٪ اراضی کشور را تشکیل می‌دهد. این جمله ۲۱ میلیون هکتار از کشت آبی و ۱.۱ میلیون هکتار از کشت لیمو بود. جنگل‌های افغانستان بیشتر مناطق کوهستانی را احاطه کرده که مساحت ۲ میلیون هکتار مندرج جدول فوق در ۱۹۸۱ میلیون می‌باشد. لی استفاده نعنااب قدردانی است. ونیشکوه تاریخی هم در حال گذشته در دهه 1990 از 42٪ به 26٪ تقلیل یافته است. به همین ترتیب سایر زمین‌های قابل استفاده، به خصوص چراگاه‌ها نیز روندی تقلیل مناسب شده است. از حد زیاد آن باعث شده که ساحه مزبور سال به سال کاهشی شده بود. علت اصلی آن فقدان بک پالایش استفاده از زمین‌های بیشتر تا به وسیله آن اندازه‌های فعالیت و بهرهبرداری از بخش‌های مختلف محیط زیست تنظیم شده بتواند.

تأمین غذایی:

منظور از تأمین غذایی تدارک مواد کامی خوراکی است برای ساکنان بک منطقه که به وسیله، آن هر فرد بتواند از گی سالم و تولیدی را
پیش بینی داده شده است که در مجموع همه افراد نفوس جهانی را در بر میگیرد. ارتباط تنها یک محیط زیست داشته و ازینه همواره در هم آمیخته با یکدیگر مطرح میشودند. تأمین غذایی یک موضوع جهانی است که اصل اصل اکثریت موارد به اندازه‌ای بوده ویلی کشورها اینکه به‌طور تناوب دیده می‌گردد، بنابراین صرف برای افغانستان مورد بحث نیست و با این دو در پی جهانی مطالعه جهان شمول و با استفاده از متأسفانه این نتایج سروت بگیرد.

اصل موضوع تأمین غذایی در چند سال اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، زیرا درک گردیده که پراورم عمده، بشريت در قرن ۲۱ از دست گرفته گی میباشد. نظری به تقسیم مواد غذایی نشان می‌دهد که در جهان امرزی گسترش وسعی گرفته گی در کشورهای رویه اکتشاف و اضافه تولید مواد خوارا در کشورهای صنعتی به شکل غیر ممساری پهنی همکاری قرار دارد. با جهان شمول شهری روابط و وابسته گی های مثل به یکدیگر عواقب عدم تأمین غذایی و گرسنگی عبارتند از: خرابی محیط زیست، تنازعات اجتماعی، بحران و رشد غیر سالم اقتصادی که از سرحدات اصلی تجاوز کرده و آنها برابر که از ساحه گرسنگی گی دورتر هم قرار دارد، آرام نگذاشته و متاثر می‌سازد.

در حال حاضر در حدود ۷۸ میلیون نفر تأمین غذایی ندارند. محاسبه شده است که به قرن آینده سالانه ۹ میلیون دیگر به این رقم افزوده خواهد شد که به طور واضح افزایش چنین تعدادی در نفوس جهانی به مقدار ذخایر طبیعی کاهش می‌دهمکه وارد می‌شود. این مدل در دست داشته نشان می‌دهد که بیشترین افراد مواجه به گرسنگی گی و سوء تغذیه در جنوب آسیا و افریقای تحت صحرایی موجود است. چنانچه نیز در حدود ۲۷ میلیون نفر در جنوب آسیا تأمین غذایی ندارند.
پیش بینی‌های نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۳ تعداد آسیب‌رسیده‌ها در جهان به ۱۴۰ میلیون می‌رسد که از جمله ۵۰٪ آن در افریقای غربی صحرایی پایدار بود.

مشاهدات نشان می‌دهد که عدم تأمین غذایی از اثر فقر به وجود می‌آید که دانگیر مردم می‌باشد. چنانچه در سال ۱۹۹۹ به تعداد ۱۳۰ میلیون نفر در خانواده‌هایی که داشتند که هیچ روزانه، آنها به دلار و یا کمتر از آن بوده است. جریان‌ها نشان می‌دهد که این وضعیت در آینده تبدیلی از آن کشورها دور نخواهد شد، زیرا تولید غذا با افزایش نفوس همبسته با پنل غیررود. در نتیجه خلا بین تولید غذا و احتیاج مردم برگزیده بوده و این حال با این خود علامه، خطریست که باشد به آن توجه نمود و ظرفیت تولید مواد غذایی را در کشورها ندارد ارتقاء داد. همچنین معیارهای کمک و اندماه عایدات آنها نیز باشد از طریق کاریابی به وسیله اکتشاف زراعتی بلند برده شود.

کاهش ذخایر طبیعی:

در دوران نم قرن گذشته اندماه تخريب زمین در جهان به درصد میلیون هکتار بالغ شده که از جمله ۳۰ میلیون هکتار آن صدمه‌های طوریکه فعالیت‌های اصلی آن به کلی از این رفت است. در مجموع ۲/۵ حاصله زمین‌های تخرب شده در آسیا و افریقا واقع بوده ولی تخرب بیشتری‌که مداخله انسان به آن سهم زیادتر داشته در امریکا مرکزی و منکسیکو بوده که یکی از قابل زرع آنجا را احتوا می‌کند. به همین ترتیب سالانه در حدود ۱۵ میلیون هکتار جنگل قطع می‌شود که بیشتر آن در آسیا بوده و به تعقیب آن افریقا و امریکا لازم قرار دارد.
استفاده از چراگاه‌ها نیز وضع به‌هتیز ندارند. چریدن از حد زیاد و قطع جنگل در حدود ۱۳/۲ حضرة فرسایش خال را در جهان بار آورده است. بنابرآن تخریب زمین زراعتی، جنگل و چراگاه بالایی منابع طبیعی اثر بی‌گناهه و از ذخایر آن می‌کاهد.

تاثیر عدم تمایل غذایی بالایی محیط زیست:
تلاش در جستجوی غذا اثر خود را بالایی محیط زیست می‌گذارد. زیرا خود گردنده‌گی باعث مسیحود که انسان برای بقای خود به فر سیله مینگه دست بزند. فقر که همراه با تکاثف نفوذ است، عامل عمده استفاده از حد زیاد منابع طبیعی مسیحود. مردم نادر شدیداً به منابع طبیعی وابسته اند، تا اینکه ضرورت به اساسی خود را از قبیل غذا، ترک و مسکن از آن تهیه کنند. بنابرآن آنها نیابید اساس زندگی گی خود را تخریب نمایند. ولی احتیاج آنها را به حذف وادار می‌سازد که موضوع حفاظت طبیعت را هم برای خود و هم برای اولاد خود به‌هایه کم‌داه و در مورد توجه می‌کند. علت عمده‌ اغماض آنها اینست که مردم نادر پول کافی ندارند تا توسط آن وسایل لازمه و تکنتالوجی مناسب را تهیه کرده و آن‌ها برای استفاده معقول از ذخایر طبیعی به کار بیاندند، بنابرآن زمانی که از یک منطقه استفاده، بیشتر صورت گرفته نتواند، ساکنین آن، منطقه‌ زنده یا در حکومت گفته‌ها به منطقه جدیدی پناه می‌برند که به عین ترتیب ساکن گردیده به نیاز بعد از مدتی تخریب می‌کنند. ملکیت هر عاملی که اداره ضعیف داشته و کشورهای دنیای آن موجود نباشند به طور خاص در معرض تخریب قرار داشته ولی با اندک توجه زمینه، بهبود آن نیز می‌سیر می‌گردد.
احیای مجدد محیط زیست:
شراوستی وجود دارد که تشدید فعالیت های زراعتی خاصتاً در مناطق کم حاصل امکان پذیر برده و منابع طبیعی تخریب شده نیز احیای مجدد شده میتواند. البته برای رسیدن به این هدف باید قدم های ضروری گذاشته شود که عبارتند از:
- سرمایه گذاری در جهت تحقیق و به دست آوردن تکنالوژی زراعتی.
- بهبود روش‌ها.
- تنظیم خانواده ها.
- تعلیم و تربیه.
- مواهبی های اولیه، صحی.
- بالپایی مناسب برای احیای ققر و عدم تامین غذایی.
تحقیقات زراعتی که بهبود و تکنالوژی لازمه را نیز با خود ضمیمه دارد، در عین حالی که تولید غذا را ازدیاد می‌بخشد و مالداری را تقویت می‌نماید، در حفاظت محیط زیست هم کمک می‌کند. از اینرو اساس انتخاب متقابل منابع طبیعی می‌باشد.
دهاچین در عرصه‌های مختلف ضرورت به دست آوردهای مدرن دارند که عبارتند از: نوعیت های بهتر نباتات، کود زراعتی، تبدیل مجادلوی ضد آفات و سیاست زراعتی، آب و غیره. همه اینها از طریق کمک‌های تکنیکی و اعتیاد کریکت‌ها میسر شده میتواند. در پهلوی آن تعلیم و تربیه، کسب معلومات توسعه و تطبیق اداره درست نیز مؤثر واقع می‌شود. به این ترتیب عادات دهاچین بهتر شده، تامین غذا در روستاهای صورت گرفته و فشار از منابع طبیعی کاسته می‌شود که محیط
زمینه هم از تخریب حفاظت می‌گردد. البته کمک‌های لازم در زمینه
موضوع واقع شده ولی در پهلوی آن وضع مقررات و کنترل از طرف یک
مرجع مسؤول نیز ضروری می‌باشد.

خلاصه پرینسپ‌های امتحان فقر و تأمین غذایی:
مشخص‌ساختن و انجام مسئولیت های حکومت‌های کشورهای روبه
انکشاف در قبال اجتماع.
ازدیاد تولیدات زراعتی به منظور تأمین غذايي برای مردم.
بهبود تعليمات ابتدائي.
مهما ساختن زمینه کار از طریق رشد همه جانبه، اقتصادی در
ساحه زراعت.
اعطای کریدت ها و کمک‌ها به دهاتینی که زمین‌ کم حاصل را
احیاء کرده و منابع طبيعي را حفاظت می‌کنند.
بهبود مارکت‌پردازی ضروریات اولیه، حیاتی از قبیل سربکا، برق و
تسهیلات مواصلاتی.
جلب کمک‌های بین‌المللی برای از بین بردن فقر و گرسنگی و
حمایت از منابع طبيعي.

تأمین غذا در افغانستان:
با در نظر داشت ملاحظات درباره تأمین غذا به سطح جهانی و
پرآبلمه‌های ناشی از آن در مورد تأمین غذا در افغانستان نیز اقداماتی
صاروت گرفته می‌توانند ولی ضرور است که اندازه‌ رشد نفوس و تولیدات
زراعتی آن نیز در نظر گرفته شود. اگرچه درباره تعداد نفوس افغانستان
ارقام مختلفی ارایه گردیده ولی به طور عمومی از ۲۲ میلیون صحت
میگردد که علت این ابهام عدم سرشماری دقیق است. رشد سالانه، نفوس افغانستان ۲۰ یا ۲۵ درصد تخمین گردیده، و با وجود تلفات جنگی در آینده، نیز می‌تواند تعداد نفوس کشور افزایش بی‌پیش‌بینی می‌کند که پراپل‌مهایی ناشی از آن متحمل آن خواهد بود. اگرچه در گذشته بی‌راز مدتها به انکشاف نسبی زرعت حاصلات افغانستان تکانی احتیاجات مردم آن‌ها مبنی‌بوده، ولی با وضع‌جنگ و مهاجرت تعدادی از مردم افغانستان به خارج کشور، قوانین کار در ساحه زراعت کم شده و ماین گذاری‌های متعدد نیز باعث شده که بسیاری ساحات زراعتی به‌دست‌کشته برای این‌جا راه‌اندازی و محروق‌ها و استفاده‌ی جزء از آن‌ها به شدت جریان دارد که در نتیجه این‌ها نام‌نام‌دیابی به‌این‌جا می‌‌پیوندد. است. انتخاب افغانستان در قسمت‌هایی، غله به امداد خارجی چاره اساسی نیسته و با عودت مهاجرین به کشور احتیاج مردم به غله هنوز هم بی‌پیش‌بینی می‌گردد. بنابراین یا باید سعی شود تا از طریق به کار بردن مالکیت و آلات زراعتی، استفاده از تخم‌های اصلاح‌شده و کود مناسب، به‌هم‌بود سیستم آبیاری، استفاده‌ی معقول از زمین‌های قابلی زرع، بهتر ساختن وضع با‌باغداری و غیره، تدارک‌مواد خوراکی متناسب به افزایش نفوس صورت بگیرد تا آمیزند غذا برای مردم افغانستان عملی‌شده بتواند.

پرسپی های‌پیکه جهت از بین ریختن نفر و تأمین مواد غذایی در سطح جهانی می‌تواند نظر کرده‌شده است برای افغانستان نیز صدقة نفوذ و با تطبیق آن انجام یافته، کافی غذا برای مردم این کشوری تأمین گردیده و می‌پیوندد. زیست آن نیز از تخریب‌نها پایت.
علاوه‌ی خطر برای افغانستان:

در سال‌های قبل ۳-۲ مرتبه قطعی مواد غذایی در بعضی قسمت‌های افغانستان مانند بدخشان و غیره رخ داد که مردم به فامیلهای خود خود تهیه نتوانسته و اطفال خود را به مردم دیگر واگذار شدند. در اواخر دهه ۱۳۷۰ ش شیر کابل به قله گندم مواجه شد که نان به سختی پیدا می‌شید ولی بعداً این مشکل به کمک خارجی حل شد. در اواخر دهه ۱۳۸۰ ش و اواخر دهه ۱۳۹۰ ه ش قطعی دیگری رخ داد که مردم چغچران به خوردن گیاه‌های هرزه‌های محیط‌زیستی شدند و از جمله گیاهی‌های را به نام چرمک میخورند که از اثر آن آماسیده گی شکم و بعضی امراض دیگر برخورد. مردم حتی اولاد نوجوان و جوان خود را که تغذیه میتوانستند برای فروش عرضه کردن. در عین حال یک تعداد زیاد مردم چغچران وطن خود را ترک گفته به ولايات دیگر به شمول شهر کابل پناهندگی کردند. گزارش سال ۱۹۹۶ ع Save حاکیست که مردم واخان نسبت قله گندم از گیاه پتک استفاده می‌کنند که اگر خوب پخته نشود درد اعضا و پس مانی ذهنی را بار می‌آورد که مردم آنرا غیر قابل علاج می‌دانند.

فعلاً که هنوز دامنه جنگ‌ها از افغانستان چندی نشده است کم‌بود موارد غذایی به شدت احساس می‌شود که این رهگذر مردم مستکی به امداد خارجی می‌باشند. یک مقدار غله بی‌که در داخل کشور تویید می‌شود آن هم هنگام اخذ حاصلات به خارج جهت فروش عرضه می‌گردد و زیرا قیمت غله در بعضی موسم‌های سال در کشورهای همسوار برلندتر بوده و از اینکه کشت‌رول لازمه وجود ندارد، تجارت غله از آن استفاده کرد. موارد غذایی را به خارج صادر می‌کنند که باز هم مشکل مردم به حال خودش باقی می‌ماند.
در حقيقة این همه موارد که واقعیت های تلخی اند، علایم خطیریست که برای مقامات و مردم ما به آن متوسط بوده و چاره اساسی برای این بین بردن آن بستنی.

مراجع:

مراجع که در افغانستان ساحه، وسیعی را احیا میکنند مشتمل است بر چمنزار، قصیب و ساحه، هیزم (بته زارها). چمنزارها دارای سبزه های باریک و دراز بدون ساقه بوده در حالیکه قصیب به ساحه، علنفزار قابل در اتاق میشود. در ساحه، بته زار، علاوه بر علوفه، انواع بته ها و درختان کوچک و پراگانه نیز موجود است که از آنها به عنوان مواد سوخت استفاده میشود.

ساحه های مرتفع در افغانستان بیشتر در قسمت های مرکزی و شمالی کشور واقع بوده و در معرض استفاده، موسمی مردم محل و اقامت کرجی قرار میگیرد. ساحه، مراجع افغانستان که در حدود ۳۷ میلیون هکتار تخمین شده است، در بین زمین های زراعتی کنار دریاها و سطوح مرتفع قرار دارد. هنگام بارانهای بهاری سایر دشت ها و دامنه های کوه ها نیز سرسپز می گردد و برای چرا زمینه مساعدی را فراهم میسازد. ناگفته ماند که یکی از مقدار قابل ملاحظه، علوفه مواصلی از زمین های زراعتی نیز تهیه میگردد.

استفاده از ساحه، چراگاه هم طور انفرادی و هم طور مشترک صورت میگیرد. در نوع مشترک بیشتر مالداران کوچی همه ساله در فصل بهار و تابستان به چراگاه های مناطق سرد سیر کشور به همراه رهم و گله، خود سفر کرده، گوسفندها، بز، شتر، گاو و مرکب های خود را برای چرا همرای خود میبرند و نزدیک فصل زمستان دوباره سوء چهار گرم عودت
میکیند. استفاده از چراغ ها به اشکال مختلف صورت میگردد. ولی به طور عموم به سه دسته تقسیم میشود که عبارتند از: سیستم مقيم، سیستم کوجی و سیستم نیمه کوجی.

1- سیستم مقيم:
این سیستم در مناطقی روان دارد که زمستان شدید نداشته و مواشی آن به قلت مواد غذایی مواجه میشود. مواشی این مناطق در تمام جریان سال از ساحه های مانند: زمین های شدیدار، زمین های باریکه تازه حاصل آن برداشته شده باشد، چراغ های شخصی و یا مشترک و یا جنگل جهت چریدن استفاده میشود. چراغی ها ره و گله های کوچک را بصورت چرا برده و شام آنها دوباره به منزل بر می گرداند. در بسیاری جاهای یک نفر به نام پاده بان مواشی محل را جمع کرد، عین وظیفه را انجام می‌دهد.

2- سیستم کوجی:
این سیستم در انعکاس از اقوام کوچی روان دارد که ره های خود را در مناطق هصور چرانته و به تدریج به سوی مناطق مرتفع حرکت میکنند. شروع حرکت آنها به طرف بالا حوالی ماه حمل بوده از جاهای گرم به طرف مناطق مرکزی افغانستان: ماهند: بهسوز، بامیان، پنجاب، لعل و سرگنج. جنوب غرب در نواحی هرات، بالغیس و به طرف شمالی تخار و میانه حرکت میکنند. فامیلهای مذکور بعد از سپری نودن تابستان در مناطق مرتفع در وقت خزان دوباره به طرف پایین کوچ می‌میاند. حین توقف تابستانی علاوه بر اینکه مواشی آنها بزرگتر شده و وزن میگیرند، محصولات آنها را از قبلی: قروت، روغن و پشم نیز با خوب گرفته و برای فروش عرضه می‌دارند. فعالیت مالداران کوچی به صورتی سرحد پاکستان و افغانستان طور علنی از زمانه های قدیم وجود دارد.
سیاست محیط زیست افغانستان

3- سیاست نیمه کوچی:
مردمانی که در مناطق معتدل، شهرستانی زیست دارند، مواشی خود را جهت استفاده بیشتر نظر به موضع به ارتفاعات بلندتر می‌برند که در شروع بهار به حرکت شروع کرده و در تابستان‌های ارتفاعات 3000 متر و بالاتر از آن می‌برند. این سیستم بیشتر در نورستان، بدخشان و غیره به مشاهده می‌رسد. زمانی که مواشی به ارتفاعات بلند برده می‌شوند، چراغ‌های اصلی آنها در مناطق هموار محوطه مانده، هنگام خزان علف آنها در می‌گذند و برای زمستان مواشی خود ذخیره می‌نمایند. به صورت عموم برای مواشی ایکه در ماه‌های خرداد ماه‌های گرم، جوار و علف‌های خشک ذخیره شده و مورد استفاده قرار داده می‌شود.

استفاده از چراغ‌های از افغانستان طور علنی رواج دارد. مقررات و اداره خاصی حتی در گذشته نیز در مورد وجود نداشت، از دست و گر مورد اضافه روي صورت گرفته و تولید چراغ‌های طلایی پیش‌بین چراغ‌های است. علاوه بر اثرات جنگ به شمول مبارزات و مايان گذاشته‌ها ظرفیت آنها را پایین آورد و هکذا قطع درختان نواحی چراغ‌های باعث تخییر خان شده است. ازینه که با از بین رفتن اشجار، دیگر جلو سیب‌لما گرفته‌شده به مغیت‌یون، خراب‌کاری‌های ازین ناحیه در مناطق چراغ‌های افغانستان خیلی‌ها ضروری بنداشت می‌شود تا مساحت چراغ‌های افغانستان تخمین درست شده و اثرات جنگ بالای آن ارزیابی گردد. هکذا ایجاد می‌شود تا به اساس معلومات کسب شده، تدبیری در جهت حماه، نجات و در نهایت در محافظت این به‌خش محیط زیست اتخاذ گردد.
مالداری: 
مالداری که در حقیقت خود جزئی از مصالح محبوب میباشد در افغانستان از زمانه های قدیم به شکل عنوانی رواج داشته و یک بخش قابل ملاحظه سکتور زراعتی را تشکیل می‌دهد. محصولات مالداری یکی از اقلاص عمده عوائد مردم بوده و حتی در بازارهای خارج منبع به دست آوردن اسعار برای کشور بوده است. چنانچه پوست قره قل، پشم، روغن و غیره بازار خوب تجاری داشته و علاوه برای تأمین صحت و تندروسی انسان مفید واقع می‌شود. استفاده از گوشت و لبنیات آن نیز در تکانوی پروتئین ضرورت مردم کشور کمک می‌نمود و در صورت مرغداری تخم آن نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.
مالداری کشور، معنی‌دارا توسط خانواده‌های دهقان و غیر دهقان صورت می‌گیرد. آنها گله‌های کوچک گاو و رمنه‌های گوسفند و بزرگ‌های می‌کنند که دهایی از محصولات آن استفاده می‌کنند. فامیلی فردی و هم از فروش آن تکانوی ضروری دیگر خود را می‌کنند. الی ۲۵/۰۰٪ عاید دهایین کوچک و بی زمین از مدرک میباشد. خانواده‌های کوچی و نیمه کوچی تعداد بیشتر مواشی، مخصوصاً گوسفند و بزرگ‌های می‌کنند. آنها بیشتر جنبه تجاری مالداری را پیشه، خود ساخته‌اند. رمنه‌های بزرگ‌تر بیش از یکصد و حتی بالاتر از ۱۵۰ رأس خاصتاً از نوع قره قل در صفحات شمال افغانستان رواج داشت که نهایاً تعداد آنها نیز تقلیل یافت است.
احصایی، سال ۱۳۴۷ ش تعداد گوسفند عادی و بزرگ ۱۸۶ میلیون، تعداد گوسفند قره قل ۱۱۵ میلیون، تعداد غاو را ۲۶۶۵ میلیون و تعداد شتر، اسب و مرکب را ۶۱ میلیون رأس نشان داده
است. علاوه‌نامه تعداد طیور در سال ۱۳۶۴ ه. ش به اندازه بیش از ۶ میلیون قطعه ذکر گردیده است. علاوه بر ارقام عمومی یک سلسله سروی های مشخص نیز درباره مواشی اشارات جغرافیایی مستنده است. چنانچه در جاهایی که سروی شده تعداد گاو‌ها، قله‌پی در سال ۱۳۶۸ ه. ش به تناسب ۵۷/۱۳ ه پی گزارش گردیده است، اینکه تعادل ده‌هایی که گاو‌داری می‌کند و گاو‌ها غربدیده و یا بینه ده‌های قله‌پی تعادل گاو‌ها خود را زیاد نموده اند، واضح معلوم نیست ولی هر دو صورت آن امکان پذیر است. سروی نشان داده که در ۶۲/۲۱٪ سروی شده وضع بهتر بوده و بعضی تعداد گاو‌ها آنها زیاد شده ولی در ۲۳/۱٪ سروی شده ارقام آن نسبت به سال ۱۳۱۷/۵ ه. ش پایین‌تر می‌باشد. طور عمومی تعادل قله‌گار زیاد شده در حالیکه تعداد گاو‌ها دیگر در سال ۱۳۵۷/۵ ه به تناسب قله‌گار کمتر تغییر پیدا کرده است. ارقام نشان می‌دهد که در حدود ۱۶٪ خانواده‌های ده‌های قله‌گار معمولی نداشته اما اکثر برخی می‌باشند ۶ رأس و ۱ پیشی از آن دارند.

وضع بز و گوسفنده به استثنای قره قله پهناور بوده، صرف در بعضی ولایت نسبت به ۱۳۵۷ ه. ش پایین‌تر گوسفنده و چرخ طور عمومی به تناسب سال مذکور ازدیاد پیدا کرده زیرا قدرت تولیدی آنها سریعتر است. گوسفنده قره قله که بیشتر در چار ولایت به عنی فاریاب، بلخ، جوزجان و باب‌اغیس تربیت می‌شود، نسبت به قله از جنگ کمتر شده ولی باوجودیکه تعداد رم‌های آن کم می‌باشد، ساحه انتشار آن در شمال هندوکش و سیب است.

مواشی دیگری مانند: اسد، شتر و مرکب نیز جزء مالداری افغانستان می‌باشد. در مواردی که قله‌گار کافی وجود نداشته باشد، دهقانان در پهلوی یک قله‌گار از اسپ و یا مرکب برای قله‌گار و یا گفل
(به‌منظور کردن گندم) استفاده می‌کنند. یا اینکه از شتر برای قلب کار می‌گیرند. ولی روی‌هندریه این حیوانات در زراعت رول مستقیم کمتر داشته‌اند، اما در ترانسپورت بخش زراعتی مانند: رسانیدن مواد غذایی به قره‌جز را یا برخورش از قره‌جز به مارکت، اهمیت زیادی دارند.

در سال‌های اول جنگ تعداد این حیوانات، به خصوص تعداد اسپ زیادتر شده بود. زیرا برای انتقال اسلحة و حمل و نقل مهاجرین به کار برده می‌شود. بعداً با استفاده، بیشتر از وسایل موتوری تعداد حیوانات مذکور تقلیل پیدا کرد. به صورت عمومی، این اسف در قسمت‌های شمال کشور بیشتر رواج دارد. طویل‌تر اند از ابتدای اواط آن در آن جا 30٪ بوده ولی در بعضی ولایات مانند: تخاز 6/0٪ و در یادگیری 64٪ مرمی اسبة نگهداری می‌کنند. نگهداری مركب رواج بیشتر دارد؛ قسمی‌که طور عمومی 83٪ مرمی ضمن مالداری خود به نگهداری مركب مبادرت می‌پردازند.

شتر هنوز هم در اکثر ولایات، به خصوص در نیمروز و پکتیکا اهمیت خود را نگهداری‌شته است. طویل‌تری در حدود 40٪ دهافین مالک شتر اند و تعداد اولی شتر در یک گله 7 فقر می‌باشد، در حالیکه در سایر ولایات تعداد مالکین شتر الی 25٪ مسربد.

در دهه 1350 هش پزشکی حیوانات کچک جهت استحصال پوست شروع شده بود و برای این منظور در کابل و هرات فارم‌های شخصی نوعی از سبیل به نام خز احداث گردید که پوست آن قیمت‌پر بوده و در خارج فروش خوبی دارد. در تقویت این پروژه بعضی مؤسسات خارجی نیز علاقه‌مند نشان داده بودند.

در ارتباط با مالداری، تهیه، خواراک برای مواشتی نیز مطروح بحث می‌باشد. طویل‌تری معمول است خواراک موانع مذکور از چراغ‌ها، تأمین میگردند و مردمان دی دلش هر منطقه چراغ‌های میعانی برای خود دارند.
ملاذ دران کرچی نیز مواشی خود را جهت تغذیه باین چراگاه ها می آورند. 
تا زمانی که تعداد مواشی زیاد نباید مشکلی وجود ندارد. ولی بعضاً در 
صورت نشان زیاد والای چراگاه ها منازعاتی هم در بین مردم مصیبت و 
کوچی رخ داده است. ازینو نگهداری توانای تعداد مواشی با سایه چراگاه ضروری بوده و سعی شود تا اضافه چرا صورت نگیرد، زیرا با 
استخدمه از حد زیاد، فرهنگیات زمین که در نگهداری خال کمک 
می‌کند به همان سرعتی که منصرف می‌شود، فرا کرده نتوانسته و 
اگرین سبب باعث صحراپی شدن منطقه شده و تولیدات بیپلوریکی 
آن تقلیل پیدا می‌کند.

برای اینکه چراگاه تولیدات خود را طور مطلوب حفظ کرده بتواند 
بايد وقتن فوتقنها از یک قسمت آن استفاده کرده نشود که این کار توسط 
کنترول مقامات مسئول و با به این حال آوردن یک سیستم اداره 
اجتماعی صورت گرفته می‌تواند. اداره مناسب چراگاه ضروری بوده تا 
اینکه مقدار کافی خوراک برای حیوانات تأمین گردد.

جهت حفاظت چراگاه ها در پهلوی اداره مناسب باید از راه دیگری 
نیز جهت تکفایی خوراکه حیوانات استفاده گردد، طریقه فضلات 
صنعتی از قبیل تفاله‌ای فشرده، لیبلو و نیشکر بعد از اخذ شیره آنها، 
فضلات مسلاخ، پوست خریزی و تریز و سایر میوه جات و باقی‌ای 
ترکاری از طریق مناسب و صحیح به کار برده شود که هم در تغذیه 
حیوانات کمک شده و هم محبط از آلوده گی پاک گردد.

ملاذ دران برای بقای موادی طبیعت و استفاده مؤثر از منابع نیز 
کمک خوبی می‌نماید، چنانچه فضله، خیوانتان (سرگین) اهمیت زیادی 
دارد، اهمیت آن اکثری نادیده گرفته می‌شود، طریقه از مقدار تولید 
شده، آن صرف در حدود مناسبه آن جمع آوری می‌گردد و آنهم به حيث
مواد سوخت به کار برده میشود. در حالیکه اگر در زمین به جای کود از
آن استفاده گردد خیلی ها مفیدتر قرار می‌دهند. قرار می‌گیرد
سنجد شده است، کود حیوانی به اندازه دو چند نانگیوین، در چند فاصله
و شش چند پوتاشیم را عرضه میکند که دهافین آنرا از بازار به قیمت
بلندتر خریداری میکنند.

مالداری با وجود مفایده‌ای که از آن به دست می‌آید، مورد توجه
قرار می‌گیرد. ولی بالاتر درجه میتوان از آن استفاده، بیشتری می‌گذارد.
چنانچه با عرضه خوراک‌ها به‌طور محسوس بیشتری از آن اخذ شده
میتواند. در صورت تغذیه کافی و مقوی میتواند که به گوشت گوشت را با
کمتر حیوانات حتی الى مناصفه، آن عین مقدار شیر و گوشت را با
جنسبت بهتر به دست آورد. ازینکه مالداران این واقعیت را کمتر درک
کرده اند، بیشتر توجه خود را در ازدیاد حیوانات مبذول داشته اند. دلیل
آنهم اینست که اتلاف حیوانات زیاد بوده و به این ترتیب میخواهند که
یک تعداد لاشه را به دسترس داشته باشند بدون اینکه به علت آن توجه
کنند. با کمی دقیق فهمیده میشود که عامل اصلی مرگ حیوانات امراض
گوناگونی است که در معامله آن اهمیت کمتری به خرچ می‌دهند.

امراضی که حیوانات خانه گی به آن مواجه اند بیشتر ساری بوده
طوریکه از انسان به حیوان و از حیوان به انسان سرایت می‌کند.
ازینکه این احتمال که خدمات و ترکیب تقویت یافته و ازین طریق به
مالداران مساعدت شود تا حیوانات آنها سالم مانند و تولید بیشتری
کرده بتواند.

راه دیگری برای بهتر ساختن کیفیت تولیدی حیوانات به دست آوردن
نسل‌های بهتر است. دریمورد نیز در افغانستان گاه‌های خوبی برداشته
شده بود. شعبه نسل‌کریز حیوانات از دیر زمانی در وزارت زراعت
وجود داشته و به مالداران دری منبع تأمین که می‌کرد، اثره‌ی به در داخل
این پروگرام و هم در چرخه‌ی پروزه‌ی مالداری فلوره و غیره نسل‌کریز
گاوهای محلی با گاوهای نژاد اصلاح شده صورت می‌گرفتند و تسهیلات
القاح مصنوعی نیز مهیا می‌بود.

با در نظر داشت موارد فوق و با اتخاذ اداره بهتر چراگاه‌ها، وضع
مالداری زمینه مساعد خواهد شد تا با مهیا ساختن خوراک‌های صحي و
کافی برای مواهی، حیوانات سالمی به دست آمده و از طریق محصولات
آنها منفاد بیشتری عاید شود که در نتیجه در انکشاف این قسمت
زراعت قدم مثبتی برداشته شده و به وسیله آن حفاظت یک بخش محيط
زیست نیز تأمين خواهد گردید.

توصیه در بخش چراگاه و مالداری:
- مساحت چراگاه‌های افغانستان تخمین درست شود و اثرات جنگ
  بالاتر از ارزیابی گردید.
- نگهداریات توازن تعداد مواهی با ساحه، چراگاه ضروری می‌باشد.
- استفاده از حد زیاد چراگاه تولیدات بیولوژیکی آنها کم می‌کند.
  بنابراین به صورت مکرر از یک قسمت چراگاه استفاده نشود.
- با استفاده مناسب و صحي از فضلات صناعتي و بشری هم در
  تغذیه حیوانات کمک شده می‌تواند و هم محیط زیست از آلودگ
  گی پاک می‌گردد.
- به کار بردن فوقال حیوانات در زمین به حيث کود خلیلها مفید
  بوده و دوران مواد را در طبعن تأمين می‌کند.
- جهت به دست آوردن مواهی سالم خدمات و ترکیب انکشاف داده شود.
- برای تولید بهتر محصولات حیوانی اداره، معقول چراگاه و
  مالداری ضروری است.
- اعطای سیماپدی و فرضه به مالداران کوچک و دهقانی صورت
  بگیرد که در جهت حفاظت محیط زیست بهذل مساعی می‌کند.
جنگلات

تعريف:
جنگل عبارت است از تجمع نباتاتی که مشتمل باشد بر یک تعداد درخت، درختچه، پیچک های چوبی و سایر نباتات اعم از طبی و غیر طبی که ساحه، معینی را با پوشش حداقل ده فیصد در دو جنب یا یک ایکر زمین احتوای کرده باشد.

جنگل پناه‌گاه خوبی برای حیوانات و حفاظتی است که از چوب آن انسان به مقاصد مختلف کار می‌گیرد. استفاده‌های مناسب و منظم از جنگل‌ها به‌منظور حفظ حیاتی و حفظ محیط زیست و هم برای تقویت اقتصاد کشور دارد. این نوع استفاده از جنگل ضروری بوده ولی برای نگهداری و احیای مجدد آن و در نتیجه برای حفاظت محیط زیست باید به شرایط اجتماعی و اقتصادی دهاقین و مربوط به کوهستان نشین نیز توجه صورت بگیرد.

افغانستان از جمله کشورهایی است که دارای جنگل‌ها و بسیار بوده ولی اگر به گذشته های آن نظر اندازی شود، ساحه جنگل‌ها در افغانستان از جمله کشورهایی است که دارای جنگل‌ها و بسیار بوده ولی اگر به گذشته های آن نظر اندازی شود، ساحه جنگل‌ها در افغانستان از جمله کشورهایی است که دارای جنگل‌ها و بسیار بوده ولی اگر به گذشته های آن نظر اندازی شود، ساحه جنگل‌ها در افغانستان از جمله کشورهایی است که دارای جنگل‌ها و بسیار بوده ولی اگر به گذشته های آن نظر اندازی شود، ساحه جنگل‌ها در افغانستان از جمله کشورهایی است که دارای جنگل‌ها و بسیار بوده ولی اگر به گذشته های آن نظر اندازی شود، ساحه جنگل‌ها در افغانستان از جمله کشورهایی است که دارای جنگل‌ها و بسیار بوده ولی اگر به گذشته های آن نظر اندازی شود، ساحه جنگل‌ها در افغانستان از جمله کشورهایی است که دارای جنگل‌ها و بسیار بوده ولی اگر به گذشته های آن نظر اندازی شود، ساحه جنگل‌ها در
در خشتمنی داشته است. هنگا قسمت هایی وسیع دره پنجشیر ملو از جنگل بوده که مردم محل چوب آنرا برای ذوب فلزات مانند: نقره، مس و غیره به کار برده اند. امروز ساحه، کمتر جنگل هنوز در قسمت های کورآب، زمان کور و شتل منطقه، پنجشیر به حيث بقایای آن باقیمانده است.

در باربازی نیز از جنگل‌های ارغوان و بادام کوهی در کوه‌های اطراف کابل نام برده شده است. نویسنده نیز شاهد وجود درختان انبوب ارغوان در فراز کوه شیر هزاره، کابل از بالای باغ بابریا بامیاء یلی شهدای صالحین بوده و نسبت زیبایی آن در شروع بهار هر سال در وقت شگفتانگیز ارغوان مرمد به نام میله، گل ارغوان در خواجه صفای کابل جمع شده بساز و سرود و انواع بازی های مغافلی رو به رو و جمعه را را جشن می‌گرفتند. قابل تذكر است که درختان ارغوان در آن زمان از طرف مؤلفین مراقبت می‌شد و حتی اطفال را نیز در زمینه از گل ارغوان را از درخت جدا کنند. به همین ترتیب مناطق دیگری نیز در اطراف کابل: مانند: پرولا و کاپسا، لوگر ای منطقه، چرخ و غیره نیز قرار داشته و کوه‌های آنها دارای درختان ارغوان، بادام کوهی و یا خنجک بود که امروز آثار کمتری از آنها باقی مانده و چوب مذكور برای سوخت به مصرف رسیده است.

احصایی، سال ۱۹۹۲، نشان می‌دهد که ساحه جنگل‌های UNDP افغانستان در حدود دو میلیون هکتار بوده که تقريباً ۳۸٪ اراضی کشور را احترام می‌گذارد که این اندازه به تناسب کشور همچون پاکستان کمتر می‌باشد. زیرا در کشور مذکور ساحه، جنگل در حدود ۴۰ میلیون هکتار بوده که حدود ۲۵٪ اراضی آنها می‌باشند. مقایسه با کشورهای دیگر منطقه نشان می‌دهد که به طور مثال هند و نیپال ساحه، و سیاست جنگل‌های دارند، و بیشتر مذكور الي ۲۲٪ میرسد.
منطقه جنگل‌زار افغانستان منحصر به سه منبع عشوعی میباشد که عبارتند از: پکتیا، کنر و نورستان. درختان عمده این جنگلهای طبیعی را بلوط، ارچه، کاج یا چایقوزه، لنی، صنوبر و یا بیگور و غیره تشکیل می‌دهند. علاوه برین در قسمت‌های شمال و سایر نقاط شور مانند: سمنگان و پاشین درختان مغزدار که عمداً پسته میباشند، نیز وجود دارد.

tصنيف جنگل:

تصنیف جنگل به اشکال مختلف صورت می‌گیرد؛ طوری‌که هر مصنف نزد خود معیار به خصوصی را قبول نموده است؛ مانند: طرز نگهدارش، شکل جنگل، اهمیت تجاری از نگاه تولید چارتراس و غیره.

نظر به طرح نگهدارش اشکال ذیل جنگل به مشاهده می‌رسد:

1- جنگل ذخیره:

این نوع جنگل ملكیت دولت بوده و مردمان نواحی آن استیباس محضی در آن دارند که از جمله یکی هم امتیاز استفاده از چهدرن برای مواشی آنها میباشد.

2- جنگل حفاظتی:

این نوع جنگل نیز ملكیت دولت بوده ولی مردم حق کامل استفاده را برای رفع ضرورتهای شخصی خود دارند؛ مانند: چوب تعمیرات، و چوب سوخت برای منزل خود شان اما هن برای فروش، هکذا حق استفاده برای مواشی را داشته و در بعضی جاها یک فیصدی معین از فروش چوب اخذ می‌دانند که عجیب آنها تدوین قانون مربوط به توزیع یا فیصدی مؤقت میباشد.
۳- جنگل انفرادی:
این نوع سرزمین جنگل به قسمت شخصی مربوط یک یا چندین فامیل مشخص می‌باشد. در جاهایی که قانون حکومت‌محیطی داره‌اراده، جنگل‌ها حق داخلیه در تنظیم قطع آن را داشته وی لم در اداره آن تشریح نمی‌کنند.

عدد زمین جنگل‌هایی که نظر به ارتقاف از سطح بحر و مقدار بارندگی غی تصور می‌نمایند. مطالعه این تقسیمات از طرف محققین مختلف

نشان می‌دهد که انواع درختانیکه جنگل‌های افغانستان را تشکیل می‌دهد و ارتفاعات جدایانه و اندازه‌های مختلف یا گزارنده‌ای مختلف بارندگی یا ارتفاعات در اختیار خرچنگویی و یا شبکه افغانستان موجود اند در یک ارتقاف معین بوده، در حالی که این نوع درخت در قسمت جنوبی کشور در یک ارتفاع دیگر نش و با می‌کنند و این موضوع بیان خود زون بندی جنگل‌های افغانستان را پچیده می‌سازد. به گونه‌ی مثال می‌خواهیم در ناحیه منطقه کنر و چپیکیا را با هم مقایسه کنیم تا در

موضوع یک اندازه یا پهنه‌ای انداخته شده بتوانند:

منطقه نام محلی درخت ارتقاف از سطح بحر

پکتایا زینتون وحشی/گرگر ۸۵-۱۳۰ متر
بلوط ۴-۱۱ متر
کاج یا جلفوزه ۸۰-۱۲۰ متر
لنج ۷۸-۱۱ متر
صنوبر/صفر یا سرب ۷۲-۱۰۲ متر
کنر زینتون وحشی/گرگر ۸۵-۱۲۰ متر
بلوط ۴-۱۰ متر
کاج یا جلفوزه ۷۸-۱۱ متر
لنج ۷۲-۱۰۲ متر
صنوبر/صفر یا سرب ۷۲-۱۰۲ متر
هکذا درختان و در نهایت جنگل نظر به ساختمان برگ آنها
نیز تقسيم میشود که به این اساس درختان مذکور عبارتند از:

1- سوزنی برگان:
جنگل‌های عمده سوزنی برگان قرار دیل اند:
لمنگ، کاج با جلفوزه، صبر، ارچه، سرو کوهی و صنوبر. چوب اینگونه درختان در مارکیت به نام چوب نرم یاد می‌شود که بیشتر در تعمیرات به کار برده شده و بک فیصدی کم آن (در حدود 15% در صندوق سازی، ساختن حلقه، دف و غیره استعمال می‌شود.

2- پهن برگان:
پهن برگان درختانی اند که رطوبت و جاهای سایه دار را
توجه داده، علفه و هیزم خوشه تولید می‌کنند. مانند: بلوط، زیتون، اکاسیا و غیره.

عناقيد جنگل‌های طبیعی افغانستان:
مبسّح جنگل‌های به ذات خود خنیل و سیب بوده که باید در بخش به
خصوص آن به تفصیل‌ها لازمه آن را داشته شود، ازین و دریکا موضوعات مذکور به طور اجمالی به ارتباط محیط زیست مورد بحث قرار می‌گیرد.
به این اساس جنگل‌های طبیعی افغانستان قرار ذیل توضیح می‌شوند:

جنگل‌های پکتیا:
ساحه جنگل‌های پکتیا که از سته کندو الی جدران و از خوست الی
چمکنی و جاجی و سبز تا دار از جنگل خوب کشور بوده که نسبت همین
شهرت خود بیشتر مورد توجه قرار گرفته که متأسفانه از همین جهت به
تخریب بیشتری مواجه شده است. چنانچه چوب آن به پیمانه می‌رود، زیادی به
شکل چارتراش و یا به شکل چوب سوخت به فروش رسیده و زیادتر به
خراج صادر می‌گردد. در دهه‌ی ۱۳۴۰ ش. حکومت وقت مستوفیه استفاده از حد زیاد چوب گردیده و به همکاری حکومت فدرالی آلمان پرورده، پیکنیک را به میان اورد که هدف آن استفاده مناسب از جنگل به‌وجود آورندازی مصرف‌فریب مورد محل پروگرام غرس درختان سیب‌الژی و کشت سبزیجات را که در آن منطقه را باید نیبود، روی کار آورد. در مردم عادی پیدا شده و چلو تنظیم جنگل‌های حدودی گرفته شد. ولی در زمان جنگ افغانستان و شوروی سابق از یک‌طرف ساحه جنگ‌های توسط بمب‌خوردن نسبت به میان اوردن ساحه، امنیتی از بین رفت و از طرف دیگر زمینه‌های مساعد شد که در نتیجه، آن قطع و فروش جنگل‌ها تا هنوز به پیمانه، بزرگتری جریان پیدا کند.

در دیل از ترکیب عمدی، درختان جنگل‌های پیکنیک نام برده می‌شود:

نام‌معلی

صنوبر، بی‌جور، ویجور

اکاسی

بادام نوع شرقی، جنوب شرقی

لنج، لنگه‌های، ارچه، سدر

زیتون و خشک، خونه

سیر، سرب

کاج، جلگوهز

نشتر

انار و خشک

جنگل

بلوط، خشک

موره، بلوط سیب، غوده، خشک

کچو، بلوط سفید، سره، خشک
جنگل‌های گنر و نورستان:

اگرچه گنر و نورستان از نگاه اداری دو منطقه، جداگانه بوده و همچنان در ترکیب درختان خود نیز تا اندازه‌ای پی می‌تفاوتاند ولی ازینکه در جوار هم‌دیگر موقعیت دارند و جنگل‌های آنها تقریباً یک سطح واحده را تشکیل می‌دهند، بنابراین درینجا طور مشترک مورد بحث قرار داده شده‌اند.

طور معلوم جنگل‌های گنر و نورستان تا زمان‌های ها ی خیلی نزدیک محفوظ مانده و مردم به شکل عفنی‌تنوی در محافظت آن سعی زیاد داشتند. از همین جهت این منطقه مورد توجه مراجع علمی و تحقیقاتی داخل و خارج کشور قرار گرفته و پلان‌هایی برای انجام‌افشای جهیزات و فرش نباتی آن و به‌خصوص برای محافظت حیات وحش آن در نظر بوده. حتی مؤسسات ذیل‌علاقوی، مثل متحده نیز به آن علاقه‌مند شده و در مجموع ساحه، مذکور به حیث پارک‌ملی اعلام گردیده. جهت تقویت این اقدام پرورده، کنترل مشترک بر فناوری‌های جنگل‌فرش و تولید برق آبی و انتشاف زراعت به شمول ترویج بی‌های چای و مالاداری به مبانی آمد و متخصصین رشته‌های مختلف در آنها به فعالیت آغاز کردن. متأسفانه درین منطقه نیز خاصیت منفعت جویی فردری تباز نموده و حتی روزانه ببش از بکصد لاری چوب آن به خارج کشور عرضه می‌گردد که ازین‌را سرنوشت آن با جنگل‌های پکنیا شباهت پیدا کرده چنانچه جنگل‌های مذکور در معرض تخریب جدی قرار دارند و این محل در نهایت خود محيط زیست را نیز به خطر مواجه ساخته است.

جنگل‌های گنر و نورستان از ترکیب درختان ذبل تشکیل یافته‌اند:
نام محلی
صنوبر، بیجور، بیجور
لمنخ، لمنخه، ارچه، سرو
دو دونیا، درختچه، کوتاه قد، غورگی
درختچه، کوتاه قد
زیتون وحشی، خونه
صبر، سرب
نشر
بلوط، خیبری
مورو، بلوط سبز، غوره خیبری
کچو، بلوط سفید، سره خیبری
عناب، درختچه، کوتاه قد، چیلان

نام محلی
صنوبر، بیجور، بیجور
اکاسی
لمنخ، لمنخه، ارچه، سدر
اویخت، اویخته، ارچه، گورگون، زری
اویخته
اویخته، سرو کوهی
اویخته بته ای
انار وحشی
جنگل
مورو، بلوط سبز، غوره خیبری
کچو، بلوط سفید، سره خیبری
جنگلهای مغزدار:

جنگلهای طبیعی مغزدار، واقع در مناطق کوهستانی علیه بر بانوان و جلفوزه، بیشتر در خروج پسته به دسته، مذکور با جنسیت عالی خود بازار خوب تجاری حتی در خارج کشور دارد. جنگلهای آن در دو منطقه در دامنه‌های شمالی و جنوبی کوه هندوکش موقعیت دارند. نوع پسته بیکه در حوزه‌های شمالی به ارتفاع ۱۸۰۰-۱۶۰۰ متر پیدا می‌شود، پسته‌های خوردنی و خوش طعم است و از بدخشان الی هرات به اندوزه، ۳۱ هکتار وسعت دارد که صادرات سالانه آن در گذشته به ۲۵۰ تن می‌رسید. قسمت زیاد این پسته از بادغیس به دست می‌آید.

نوع پسته بیکه در دامنه‌های جنوبی هندوکش انتشار دارد پسته کابلی و خنجک بوده که در ارتفاعات ۱۸۰۰-۱۵۰۰ متر از سطح هری‌برود الی ارگون وسعت یافته اند و خنجک آن بیشتر در پکتیا و نورستان پیدا می‌شود.

ازینه جنگلهای پسته ملکیت شخصی نیست و در استفاده‌اند همه مردم منطقه شرکت می‌نمایند. بنابراین قبیل از جنگلهای افغانستان و شوروی سابق مقرراتی در مورد، توسط مقامات محلی و مردم آتیها به مبانی آمده بود که به اساس آن چیدن پسته را که به نام شول پسته بیاد می‌کنند در کنفراتی مسئولیت شخصی پسته می‌گیرد. در استفاده‌اند نهایت به بانوان و حیوانات اصلی به دست می‌آورد. متأسفانه در این اواخر این استفاده‌اند آن پسته خوردنی و حتی چوب و ریشه آن می‌شود. برای چیدن جلفوزه نیز که بارها در ولایت پکتیا چیدا می‌شود تجارت قبیلی موجود بود. طریقه آن در جلفوزه می‌رسد. حق نداشتهند جلفوزه
سیب‌میوه زیست افغانستان

را قبل از رسیدن جمع آوری فاصله و عدم رعایت این فاصله جریه داشت، ولی هنگام آغاز چندان آن در بیک وقت معین با نواختن طبل عنعنی (دُه‌ل) اه‌الی منطقه مطلع گردیده و همه تلاش به خرچ می‌دادند تا هرچه زودتر خود را به جنگل رسانی‌دهد و به چیدن جلگوره اقدام کند. در پهلوی این می‌توهید و از غوزه جلگوره نیز برای سوخت استفاده می‌کنند.

جنگل‌های بادام:

جنگل‌های بادام نیز به در طرف شمال و جنوب هندورش موجود بوده که در بخش جنوبی آن قسمت‌ا در دامنه‌ها در بین تجمعات نباتی نیمه صحرايی پسته کابلی از هرات الی پکنیا در مناطق کم ارتفاع (1200-1500 متر) نشو و نمر می‌مانند. در حالیکه یک قسمت دیگر جنگل‌های بادام در عین منطقه در ارتفاعات بلندتری (2000-3000 متر) به مشاهده می‌رسند.

انواع بادام قسمت های غربی و جنوب غربی کم ارتفاع این منطقه Amygdalus و Amygdalus erioclada عبارتند از: در حالیکه در قسمت‌های مرکزی و شرقی منطقه، مندرج اینه ebarnea نوع Amygdalus bracuialia به شکل طبیعی در ارتفاعات بلند این منطقه جنوبی در بین پسته‌ی کابلی و سایر بته‌های میرویند. نباتات دیگری که در بین این جنگل به شکل زیر درختی میرویند، میتوانند از انواع ذیل نام برد:

1- شیر خشت
2- انواع مختلف گلاب و حشی
3- بندک
پارک‌های تفریحی:
همان‌طور که نگهداری سالم چنگل از نگاه تولید چوب و علف‌ها جنبه اقتصادی داشته و تنوع بیولوژیکی را حفظ می‌نماید و پناه‌گاه خویش برای حیات وحشی می‌باشد، جنبه تفریحی نیز دارد. چنانچه مردم از هوای تازه، فضای آرام و دلنشین آن استفاده کرده و سعی می‌نمایند که لحظاتی را در گوشه‌ی یی از چنگل سپری کنند. از فیشر و خسته گی کار روزمره دوری جسته، استراحت‌گاهی پیدا کنند تا بالاخر باین‌روی تازه مشاغل خود را دنبال کنند. ازین‌رو اکثریت از خود چنگل استفاده شده و یا اینکه در حواشی چنگل و باغات و یا در نزدیکی منازل مسکونی به احداث پارک‌های تفریحی پرداخته می‌شود تا زمینه‌های خوبی برای مردم مهیا گردد.
وجودیت پارک‌های تفریحی در افغانستان قدمت تاریخی داشته، چنانچه سلسله‌های تیموری در هرات باغ‌های معروف وقت را احداث نموده بودند که از جمله باغ جهان آرا، باغ زاغان، باغ سفید، باغ دلکش، باغ مختار، گزارگاه، تخت بابا و غیره با می‌توان نام برد. باغ زاغان مربوط دربار سلطان حسین و سایر سلسله تیموری بوده و باین‌رو سفید مرکز اکادمی علوم شهر هرات و مرکز تجمع شعراء، خطاطان، خوش‌نویسان و میناتوران بود.
بابرهاه نیز این سلسله را ادامه داده و به نوبه خود باغ‌های دیگری را به میان آورده‌اند: باغ علم گنج، باغ شهرآرا، جارباغ، باغ بابر و باغ یکبرگی در کابل، باغ استالف در کوه‌دان و باغ فلکه، باغ صفا و باغ کوبک در تنگه‌ها.

باغ علم گنج در دور طرفه، دویای کابل نزدیک زیارت‌رود شاه در شمشیره، وی موقعیت داشت که در یک گوشه آن لیسه‌ها، باغ‌های سابقه و در گوشه دیگر آن پولی تنخیب مرکزی و با شفاخانه‌های بیشمار، موجود بوده و هنوز هم چند درخت کهنه دریان زنده، فاصله‌ها گی می‌گیند. از باغ شهرآرا برج تاریخی و چند درخت محرزی در هر دو تعیمر زایشگاه باقی‌مانده است. باغ بابر که در عین حال به اثر وصیت خودش آرامگاه آن پادشاه وقت می‌باشد در دامنه کوه شیرودرازه، کابل توسط درختان ارغوان احاطه شده و از زیبایی خاصی برخودار بود.

علاو‌تا در کابل باغ لطفی و باغ عصمتی که امروز نامی از آنها باقی‌مانده، تفریح‌خانه خوی و برای شهبان کابل بود. نویسنده به خاطر دارد که باغ عصمتی کابل در جای مندرو فقیع و در جوار مقره، تیره‌زهای درختان اپنسو و گل‌های زیبایی داشت که هر روز از طرف عصر آب‌پاشی می‌شد و برای سرگرمی مردم ارکستر موسیقی بلندی، شهی نگمه های دلپذیری می‌باخت.

باغات کابل به اندازه‌ها، شهرت داشت که شهرت‌دها و مردمان متمول هند از ناصحله، دوری برای تفریح به آن سفر کردند و ایام چندی را در آنها سپری می‌کردند. به ویژه ترکیب میر، استالف، فلکه و غیره به شمول تفریح‌ها و هم‌جواری و غیره کابل با آب و هوای خوب و فضای دل‌دریž خود هم‌سازه گروه‌های از مردم را به خود جلب می‌نمود که متأسفانه کم توجهی به آنها و جنگ‌های دوامدار صدمات بزرگی به آنها رسانیده است.
ایجاد مینماید که موضوع تحت بررسی قرار داده شده و سروی لازمه در مورد صورت بگیرد تا در موقع مساعد به احیای مجدد آنها پرداخته شده و این بخش محيط زیست نیز تحت حفاظت لازمه قرار داده شود.

فوايد جنگل:
جنگل در قدم اول جنوب سرخ، ذغال و چوب تعمیراتی را برای مردم و علوفه را برای مواشی عرضه می‌دارد و رول عمدده ایکالوجیک را نیز به عهده دارد که در عین حال به غنای محيط طبیعی می‌پردازد.
جنگل خاک را از فرسایش و بردن توسط باد حفاظت مینماید که در نتیجه تربسات ذخار آبی را تقلیل می‌بخشد. راه‌ها و تهیه آب آلمانی پروژه پکتیا حاکیست که تنها در منطقه خوست سالانه ۳۲۰ تن خاک حاصلخیز توسط باد ضایع گردد و قسمی از سرحدات کشور نیز خارج میشود. موجودیت جنگل جریان آب را بطی ساخته و ازین سبب سیلاب را کم می‌سازد. از اثر فرسایش خاک ریشه، نباتات در زمین استحکام خود را از دست داده و فرش نباتی از بین میرود که نتیجه آن توسعت همان، صحرا می‌پیشاند. علاوتاً جنگل ته‌های ریگی را مستحکم می‌سازد. به همین ترتیب جنگل در تقویت تنوع بیولوژیکی مفید واقع میشود. چنانچه از حیوانات بزرگ شکاری ایلی مایکرو ارگانیزم‌ها را که شامل در آنها منبع مهم مواد مفیده و ادویه، طبی باشند، در خود جای میدهند. همچنین جنگل برای محافظت منابع ذخیره، آب کمک مینماید. این نرو ضروری دیده می‌شود که در اداره آن توجه به عمل آید تا از آن به شکل مناسب و دوامدار استفاده شده بتواند.
علاوتاً جنگل در جذب کاربن دای اکساید (CO₂) کمک مینماید.
قرار معلوم جذب CO₂ باعث میشود که غلتگی گاز منتفیکه در هوا کم
شود، در غیر آن غلظت CO۲ در هوا زیاد شده و باعث گرمی هوا می‌شود. گاز کاربن دای اکساید خاصیت گلخانه را دارد، طویل و تراکم امواج طولی نور را جذب می‌کند که همین عملیه باعث گرمی بیشتر می‌گردد و در نتیجه تغییر اقلیم را می‌آورد، چنانچه بعضی از مناطقی در حدود ۳۰۰۰/۵ افزایش یافته و گرمی ناشی از آن باعث ذوب یخچالها گردیده که در نتیجه بیشتر می‌آید که بعضی از شهرهای ساحلی منانند استرالیا و غیره زیر آب شوند.

خاک و زرات گردنگی به وسیله، باعث آورده می‌شود توسط درختان جنگل جذب گردیده و مناطقی مجاور آن از آلوده گی گرد و خالاً با کنکاشینگ می‌شود که در عین حال تفریحگاه خوبی برای مردم می‌باشد. به همین ترتیب از محصولات فرعی جنگل نیز استفاده های سودمندی به عمل می‌آید؛ مثلاً: پستهه، آن که میوه، خشک خویی بوته و در غرب افغانستان پیدا می‌شود، نسبت مزار و رنگ سبز تاریک خود نسبت به سایر انواع بازار خوب جهانی دارد. در تجارت همراه هند در سال ۱۳۶۷ ه ش از مقدار ۱۲۰۰ تن صادرات بک میلیون دالر امریکایی عاید نمود.

جلغزه میوه، خشک دیگریست از درختان جنگلی که در داخل کشور مصرف زیادی داشته و حتی بک مقدار آن صادر نیز می‌شود. کشور مصرف زیادی داشته و حتی بک مقدار آن صادر نیز می‌شود. کشور مصرف زیادی داشته و حتی بک مقدار آن صادر نیز می‌شود. Licoris ماده‌ بنام یک رشته نوعی از گلاب به دست می‌آید که از صدور آن سالانه در حدود سه میلیون دالر امریکایی عاید می‌شود. ماده‌
سیما محیط زیست افغانستان

دیگری هنگ‌است که از فروش آن به هند سالانه در حدود دو میلیون دالر به دست می‌آید. هنگ باوجود بوری تیز آن به غلظت کم در مصالحه چات و اودریه طبی به کار برده می‌شود.

به همین ترتیب از محصولات فرعی دیگر جنگل مانند سمارق، شیرخشت، قرخ، شیرین بوهه، دانه‌ای‌های ظریف و غیره نیز استفاده به عمل آمده و قسمتی به خارج کشور نیز صادر می‌گردد.

در ولایت پکتیا از مواد روغنی درختان جلفوزه و نشتر برای روشن ساختن چراغهای تبلیس و آشعله و ساخته را درختان مذکور هنگام شب‌های رفتن از یک محل به محل دیگر برای راه‌پایی خود استفاده می‌نمایند. همچنین از برگ‌های افتیجه و پوپسیمه درختان اوینت، جلفوزه و غیره که معمولاً زنها آن‌ها جمع کرده و به منزل انتقال می‌دهند برای خشک ساختن استیل حیوانات در زمستان کار می‌گیرند و بعد از استفاده آن‌ها ذخیره می‌گردد در بهار سال به جای کرده در زمین‌های زراعتی مورد استفاده قرار می‌دهند.

تغییر جنگل:

ازینه که جنگل منبع خوب عایداتی بوده و از فروش چوب آن مفید زیادی به اشخاص انفرادی می‌رسد، متأسفانه در مورد حفاظت آن هیچگونه توجهی صورت نگرفته و بی‌رحمانه در قطع و تخریب آن فعالیت جریان دارد. این فعالیت از زمانی شدت پیدا کرده که سرکه‌های جدید مناطق مختلف پکتیا و کنده‌را به شهرهای بزرگتر وصل می‌کنند. اگرچه در قانون اساسی کشور جنگل‌سازی دارایی غیابه ذکر شده که به این اساس داید بدون اجازه دولت به قطع و فروش آن اقدام نشود. ولی مردم منطقه مخصوصاً در شرایط فعلی به چنین قوانین و قواعد نگذاشتند. صرف مفاد
فعلاً خود را در نظر می‌گیرند و حتی برای آینده، خود و نسل بعدی نیز توجهی ندارند. بنابراین چوب آن به پسمانده، زیادی به شکل چارتراش و یا به شکل چوب سوخت به فروش می‌رسد. علاوه بر کشورهای هم‌جماع حضوری طیاره به فاصله‌های دورتری مانند کشورهای خلیج نیز صادر می‌گردد.

موضوع تخریب چنگل در مورد درختان پسته هنوز هم جدی‌تر است طوریکه علاآ در عرض چوب آن برای سوخت در بازارهای دورتری به ریشه‌های آن نیز صدمه می‌رسد. چنانچه باشد تشکیل دبگران که سایر دارایی‌های ملی می‌رود نیز تخریب می‌یابند. ریشه درختان پسته به خارج کشور به فروش می‌رسد. درباره تباهی چنگلهای افغانستان و خاصتاً دریاره، درختان پسته در پهلوی منفعت جویی‌ها، دسرایی نیز وجود دارد و به مردم منطقه تبلیغ می‌شود که ریشه، درختان پسته متعاقب قیمتی بوده و حفظ به شکل تشکیل‌دهنده‌ای آنها خریداری می‌کنند که به این ترتیب چنگل درختان پسته را از ریشه‌های به‌یک کرده و جلو رقابت تجاری را بگیرند. با اینکه باعث از بین بردن یک منبع عیا‌بادی مردم گردیده و به طریق خیلی ساده به چنگلهای پسته، افغانستان را نحو خواهند کرد.

در نتیجه و مردم نیز مفعول آنی را در نظر گرفته و مفکوره حفاظت چنگل و محیط زیست نزد آنها وجود دارد. ازینن در خیلی ضروریست تا به صورت کلی در حفاظت چنگلهای افغانستان اقدامات جدی صورت گرفته و توجه خاصی به آن مبذول گردد. زیرا سطح پوشش چنگل‌های این کشور در شروع ۱۳۷۸ هـ به ۲۶٪ یا پایین آمد ۶٪ ازینکه قطع چنگل شدیدتر شده می‌بود، این رقم هنوز هم تقلیل یافته، چنانچه معلومات جدید از اداره چنگلهای زراعت افغانستان حاکیست که ساحه‌های چنگل فعالاً به

١۷٪ یا پایین آمده است.
سیمای محیط زیست افغانستان

یکی از عوامل دیگر تخریب جنگل، چریدن بدون کنترول مواشی در آن میبیانشک که در عین حالتی که از گیاه‌های زیر درختی آن استفاده میکنند، درختان را نیز خورده و مالکی مواشی مذکور برای تهیه، علوفه، از درخت شاخه‌های جنگل را نیز قطع میکنند که این حالت به ذات خود مربوطه، مقدماتی تخریب جنگل میبیانشک. شاخشهای قطع شده، جنگل برای تهیه مواد سوخت نیز به کار برده میشود که مردم محل از آن استفاده میکنند و خاصاً در مناطقی که مهاجرین پناه گزین شده اند این تخریب شدت بیشتر پیدا کرده است. گزارشات و مشاهدات مختلف نشان میدهد که مهاجرین در هر چشخوانایی از ساحه جنگل وارد و به اند طوریکه در سال اول شاخشهای جنگل را به اردی درختان را به شکلی اضافات کمپ حصار شاهی در نزدیک یک یا بزرگ چوب سوخت رفع نمی‌کنند. نوبنده که این احداث کمپ حصار شاهی در نزدیک جهال آباد برای مدت درازی طور متوسط از پشدار به سرانجام می‌رسد، مشاهده کرده است که در مدت بیست دقیقه طی فاصله دریار، یک موتور از کمپ متذکری که دو گزارش آباد تعداد زیادی مربوط بوضی بیانی و بسته‌های بزرگ (پشتاره) شاخه‌های درختان را با خود به طرف کمپ حمل می‌نمودند که در طول هر مدت کوتاه تعداد آن‌ها 275 پشتاره می‌رسید. ازینکه مشاهدات در اوقات مختلف روز نیز صورت گرفته است به اطمینان گفته شده میتواند که فعالیت مذکور حوالی ساعت هفت صبح آغاز گردده و الی نزدیک غروب آفتاب‌های میان‌میان. در ابتدا پشتاره‌ها باندازه بودن که یک شخص آنرا حمل کرده میتوانست، بعدا محموله‌ها باندازه سنگین گردد که چند نفر باهم متحد می‌شوند توسط موتهای کاری دست آورد خود را حمل می‌نمودند و حتی بازارک کرکچک فروش نیز از چوبهای قطع
شده فارم و کنار جاده، عوسمی در کمپ مذکور به میان آمده بود.

ناگفته مانند که محفظه فارم نیز از فرصت استفاده کرده خود آنها نیز از هیزم بدون کنترل استفاده می‌کرده‌ند. بارگیری ویکرتی مهاری‌های منطقه را ترک گفته اند، اشخاص باقیمانده و اهالی منطقه هنوز هم فعالیت مذکور را دوام داده و اگر کنترل به موقع صورت نگیرد دیری نخواهد گذشته که قسمت باقیمانده، جنگل مذکور تخریب گردد و از درختان انبوه و قوی گر، درختان تری به شده فارم بزرگ زیتون و سیبزروس که زمانی مقدار زیاد آن به خارج برده می‌شد، آثار کمی باقی خواهد ماند.

موضوع تخریب جنگل منحصر به افغانستان نبوده بلکه متأسفانه به سطح جهانی گسترش دارد. سالانه در حدود بیست میلیون هکتار جنگل تخریب می‌گردد که اگر این حالت دوام پیدا کند در پانزده سال آینده ساحه بزرگی باندازه، مساحت هندوستان عماری از جنگل خواهد بود.

جلوگیری از تخریب جنگل باید به سطح جهانی صورت بگیرد. ویکرتی کشورهای جدایگانه نیز مکلفیت خود را قرار می‌دهند، به سهم خود در حفاظت جنگل‌ها و در نهایت در جهت حفاظت محیط زیست سهم می‌کنند.

خود را نیز ایفا نمایند.

عوایق تخریب جنگل:

نتیجه تخریب جنگل منحصر به کاهش سطح و تقلیل مقدار چوب آن نیست بلکه عوایق ناگواری را به آورده و خسارات چند جانبه را برای مردم و محیط زیست وارد می‌کند. چنانچه ضایعه، درخت بته و سبزه تأثیر ناگواری را از طریق فرسایش خاک به میان می‌آورد و خاکی که میتواند مقدار کم باران را جذب کرده و ساواه را مرطوب نگهدارد، از بین می‌روید و در نتیجه هم غنای آبی‌های زیت‌زمینی از دست می‌رود و هم
سیماهی محیط زیست افغانستان

دانه های نباتاتیکه در زمین می افتد، رویه‌ده هیئت‌ترین. هکذا یک مقدار زیاد خلاک از بلندی‌های کره های مناطق متکرکه توسط باد پراگنه می‌شود. یا اینکه سیتی‌لیا مقدار زیاد خلاک را با خود آورده، در نواحی هموار و به خصوص در جویبارها و بندی‌های آب رسوب می‌دهد که بالاتر علاوه بر خسارات دیگر ظرفیت ذخیری آب و در نتیجه اندازه آبیاری را تقلیل می‌دهد. به این ترتیب محصولات زراعتی تقلیل پیدا کرده و نقصان زیادی را به مردم عاید می‌سازد. اینکه درختان شدت جریان سی‌لاب را بطي‌مسیازد و جلو تغییرات آن می‌گیرد، برای اکثر مردم نااشفته بوده و یا ازینکه امکان جنگل باعث تغییر آب و هوای منطقه می‌شود و یا اینکه تاثیرات ناگوار دیگری از نیزند جنگل برای منطقه عاید می‌شود، مردم به آن اندهبزه بی ندارند، بنابراین این همه موضوعاتی اند که باید بالای آن کار شود و اضطرار موضوع به آگاهی مردم رسانیده شود تا از وارد ساخت خسارات بی‌شک جلوگیری گردد.

تعليمات جنگلداری:

جهت وارسی، مراقبت و اداره، مؤثر به منظور حفاظت سالم جنگل و محیط زیست، تعليمات جنگلداری به سوی های مختلف ضروری می‌باشد تا مردم و به خصوص زنان و اطفال که در ساحه جنگل فعالیت های مختلف دارند؛ مانند: جمع کردن هیزم برای سوغوت، تدارک برگ و علوفه برای مواشی، قطع درخت برای تعمیرات و فروش؛ در مورد اهمیت جنگل حیات و حشره و فرشه نباتی آن معرفات پیدا ناابنده و هکذا راجع به تخمینات و خساراتی که اثر استفاده‌های نامعقول از جنگل صورت می‌گیرد، آگاهی پیدا کنند. از طرف دیگر تعليمات منظم به سویه، متوسط و عالی نیز لازم است که فعلاً در آن بیشتر مسابل فضیکی و
بیولوژیکی جنگلگیری تدریس می‌گردد. در حالیکه به مسائل اجتماعی آن کمک توجه می‌شود، با در نظر داشت این که در ساحه جنگل و با در نواحی نزدیک آن مردم زیست دارند، ازین رو باید به احتیاجات و شرایط آن‌ها نیز توجه به عمل آید. راجع به خلاک، سنگ، حشرات، سایر حیوانات و نباتات جنگل برای آنها مراحل داده شود و هکذا مناسبات مردم با جنگل و محیط زیست توضیح گردید و اهمیت تفاهم و کار با مردم و جامعه به آنها آموخته شود. به این ترتیب ایجاب مینماید تا در پروگرام فعلی جنگلداری تجدید نظر صورت گرفته و پروگرام جدید با در نظر گرفتن آفات واردات، ضرورت به کار بردن تکنالوژی‌های جدید در عرصه جنگل‌داری مطابق ایجابات عصر و زمان توضیح گردد.

به همین ترتیب برای کارمندان ورزیده، جنگلگیری باید زمینه تشکیلات عالیتر و تخصصی‌تر به‌کارشتهای متفرقه‌تر می‌گردد تا تجربه بیشتر و دید وسیع در رشته‌های خود حاصل شود. باید تعلیمات متداوم نیز جریان داشته باشد تا همواره مراحل جدید در بخش جنگل‌های ایرانی گردد. حتی ایجاب مینماید که کارمندان ادارات جنگلگیری قبل از استفاده، شامل کورس‌های مقدماتی گردد و به این ترتیب قبل از اشغال وظیفه، مراحل لازمه را دریابه کار آن‌ها به‌کار برده، خود کسب قبلاً تا وظیفه‌های خود را به شکل بی‌متافاکس درآمد و در نهایت خود آنها در پی‌شبکه امور خود موفق باشند و هم مردم را در منسابل جنگل‌گیری و حفاظت محیط زیست رهنمایی خوب‌تر کرده بتوانند.

انجام ندایند و توصیه‌ها در بخش جنگلگیری:
مطالعات متعدد در مورد تخریب جنگل نشان داده که عامل عمده قطع درختان، ضرورت مردم به چوب‌های تعمیراتی و سوخت می‌باشند. وضع نابسامان اقتصادی مردم مسکون در نواحی جنگل ناشی از نفر و
بیسوادی باعث می‌شود که اندیشه، بیشتر درختم قطع گردده و از فروش آن عایدی به دست آورده شود. با بهبود وضع اقتصاد مردم متذکره ضرورت کمتری احساس می‌شود که از جنگل استفاده، نامحسوس دریافت. صورت بگیرد. بنابراین مقامات مسئول باید پروراگرامی را روی کار بگیرند که طبق آن در مناطق کوهستانی جنگل‌دار مردم آن نواحی در فعالیت‌های دیگر سهیم گردده و ازین طریق شکل کار شوند تا عایدی به دست آورده بتوانند.

اداره، جنگل فعالاً غیر کافی می‌باشد، کارهای مذکور باید طوری تنظیم شود که قوای بشری در آن زیادتر سهیم گردده و مردم مزد خوبتر حاصل کرده بتوانند. هنگامی زمینه‌های دریافت اخذ کریده ها برای چنین مردم مساعد گردد.

ازینکه زنان و اطفال در مناطق کوهستانی سمینه، گیاه‌های طبی و غیره را نیز جمع آوری می‌نمایند تا به وسیله آن عایدی کسب نمایند از طرف اداره، جنگل‌سازی گردد تا طرق بهبود جمع آوری، پرآش و زمینه، بازاریابی برای چنین محصولات مساعد شود و در مورد تبلیغات لازمه را برای بیان‌ازند. به‌هرحال جنگل‌های تولیدی به‌آزاده درستی ضرورت داشته و حتی الامکان کوچش شود که جنگل‌های مذکور و به خصوص جنگل‌های قدیمی به منظور نگهداری تنومن یا یکی از محافلی محافلی گردد.

مردم ما عادت کرده اند که از جنگل استفاده نمایند و لی اندیشه‌ها، احیای مجد، آن نزد آنها وجود ندارد، ازینب روی رفع احتیاجات مردم از درک چوب تعمیراتی و غیره اجاب می‌نماید که در پنهای احیای مجد جنگل پروراگرام احداث جنگل جدید روند تخریب شود که برای این منظور و مخصوصاً برای نهالشانی ها زمین‌های هموار، کنار فارم‌ها.
پلوانها، کانال‌ها، دریاچه‌ها و غیره خیلی مساعد بوده و سکتور خصوصی با ایده تشویق شود که نهالشانی را در ساحات زیبای آبیاری تطبیق و تقویت فنی‌بند. 

در ساحه جنگل‌داری یکی از موضوعات عمده ایکه کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، سهم نزنا است، زیرا آنها در روستاهای و مناطق کوهستانی و ظرفیت‌های جمع کردن هیزم را به عهده داشته، شاخه‌های درختان را برای سوخت و برگ آنها را برای خوراک می‌باشند با خود میبرند. آنها نهال‌های جوان را هم شکستنده می‌توانند و اگر خواسته باشند هم حفاظت کرده می‌توانند. ازینکه مردم از اهمیت جنگل و عواقب ناگو و تخرب آن اگاهی ندارند، بنابراین ضروریست که آنها از طریق تبیین‌گاه‌هایی در مجموع راجع به حفاظت جنگل کنند. این نازی برای نگهداری جنگل در بعضی کشورها در پله‌های پروگرام‌های منظم غرس نهال در زمین‌های زراعتی، ساحات تجاری و بارکها، در منازل و یا نزدیک منازل مسکونی نیز حتی برای هر فامیل در حدود پنج درخت میوه دار و یا ساپه دار را در نظر می‌گیرند تا اینکه طی یک مدت معینی یک تعداد کافی درخت در محیط ماحول مردم رویه و از آن استفاده شده بتواند.

انتخاب نهال موضوع دیگریست که هیچ نهالشانی در نظر گرفته شود. یک‌طرف دقت گردد که نهال جدید به کددم منظور غرس می‌شود. ضروریست تا برای این هدف نوعیت مناسب نهال انتخاب گردد؛ مثلاً برای تولید دستک درخت چنار مناسب است ولی دو عامل بزرگ تعداد آنرا کم ساخته است که باید یکی آن جالینگ در کشور و دیگری هم از درونهای ترانزیک چویخوار می‌باشد. برای اینکه درخت چنار از آفتاب حشرات مضره محفظ تواند از کشت نوع واحد نبات چلوگیری و در
بعوض آن چندین نوع مختلف نهال غرس گردید. یا اینکه انواع درخت مقاوم جستجو شود. از طرف دیگر غرس نهال تنها به منظور استحصال چوب سوخت نیز نادرست بوده بلکه در عوض درختان کمک‌الاستفاده در نظر باشدکه در ضمن مواد دیگر مواد سوخت را نیز به دسترس گذاشته بتواند.

جهت غرس نهال و تروری درختان مختلف احداث قوریه‌ها ضروری میباشد تا در ضمن مسائل دیگر مقاومت نهال‌ها در شرایط اقلیمی نیز مطالعه شده بتواند. فعلاً چنین قوریه‌ها مشتمل بر انواع مختلف درختان میوه، مغز دار و غیره در لورگ، ورک، غزنی، قندہار، هلمند و ننگرهار موجود است. موجودیت انواع مختلف نهال در قوریه‌ها به منظور فرصت بایندی انتخاب برای رفع ضرورتهای مختلف میباشد تا از آن استفاده، به جا صورت گرفته بتواند. در ذیل از بعضی از آنها نام برده می‌شود:

- برای احاطه، باغات، فارما و غیره: زیتون، روسی، که از جمله، درختان کوچک و شناخته شده، برای مردم بوده که هم در هر نوع ارتفاع می‌روید و هم از بیدن، شاخچه‌های آن برای سوخت استفاده شده می‌تواند.

- برای سوخت: درختان توت، بید، اکاسی، دودونیا و غیره، مواد خوب محروقاتی می‌بایستند. هنگام تربیز ابوجهل که ریشه‌های عمیق دارد، هم خاک را خوب به‌درج کند و هم سوخت خوبی به دست می‌دهد. بته های ساکسول نیز برای سوخت به کار برده می‌شود.

- برای تعمیرات: درختان زودرسی مانند چنار ترجیح داده می‌شود از قبیل چنار سفید، چنار سیاه و دراز بید انواع دیگر درختان نیز وجود دارد که برای این
منظر مورد استفاده قرار گرفته میتواند ویژگی‌های زمین‌داران افغانستان چنار را به نسبتی ترجیح می‌دهند که هم زودرس است و هم از آن قلمه گرفته شده میتواند که ازین جهت تکنیک آنها آسانتر است.

برای مانعه، باد:

جهت جلوگیری از شدت باد همه انواع درختانی که در فوق ذکر گردیدند، مساعده می‌باشد ولی غرس درختان کشیرالاستفاده مانند:

توت، اکاسی و غیره بهشتر قابل توصیه است، زیرا از درختان میوه دار آن میوه و از درختان بی‌ثمر آن برگ مورد ضرر نخوراکه مواشی به دست می‌آید، از چوب آن برای سوخت و غیره از استفاده شده میتواند. در جاهایی که شدت باد زیاد باشد سه قطر درخت قابل توصیه است تا جلو باد خوری گرفته شده بتواند.

با اتخاذ تداویکه در فوق ذکر شدت اهم از کنترول قطع درخت، احیای مهم، احداث جنگلهای نهایت و نهالشانی کنار جاده ها، کانال‌ها و غیره به شکل کم‌نیتی امکان آن میسر می‌شود که سطح پوشش درخت از اندازه موجود و باربر باشد و بعد از مدتی در صورت تعقیب جدی پروگرام های مربی چوب پوشش مذکور حتی نسبت به گشتی‌های نیز بلندتر شود و مقدار کافی چوب تعمیراتی و سوخت به شمول علومه فیsapir محصولات جنگل به دست آید، که از یک طرف ضرورت مردم رفع گردد و از طرف دیگر ضرورت انرژی تجاری. مانند: تبیل خاک، دیزل و غیره تقلیل پیدا کند. ضروریست تا اداره جنگل‌های سنیجش های نزد خود داشته باشد که از کدام جنگل در یک سال و به کدام اندازه چوب قطع شده میتوانند تا به این ترتیب اندازه استفاده از جنگل تحت کنترول آمد بتوانند.

به همین شکل جهت استفاده مناسب و دوامدار از زمین‌داران است که مسائل مؤثر دیگر را نیز در موضوع مد نظر داشته باشیم که عبارتند از:
قطع فنی درخت تا ضایعات چوب کمتر گردید. در اثر قطع غیر
فنی یک قسمت زیاد چوب ضایع میشود که مطالعه بررسی کننده این
موضوع در چند جلسه کننده دیده شده است. چنانچه در سال
۱۳۵۲ هـ ش مقدار ۱۴۵۰۰ متر مکعب چوب از آنجا قطع
گردیده و چوب قابل استفاده ای که از آن به دست آورند ۸۶۰۰۰
متر مکعب بوده که به این اساس از زمان قطع درخت یلی چوب
اره گشته مقدار ۹۰۰۰۰ متر مکعب چوب ضایع شده بود که
کمی بیش از ۱۰٪ را تشکیل می‌دهد.

- تهیه و سایر مالی‌های مناسبات ذیل اعلاف و
بانک جهانی نیز وسیله است که در مورد حفاظت جنگل‌های
و استخدام یک تعداد اشخاص بیکار در جهت احیای مجدد
جنگل‌ها کمک می‌کند.

- پیدا کردن راه‌ها برای تقلیل فشار استفاده از چوب سوخت مانند
تولید گاز برای گرم کردن و پخت و پز در منازل، نصب دستگاه
های چوکچ تولید برق آبی، استفاده از بخاری‌ها و داشت های کم
صرف و انرژی آفتاب. این به استفاده به پیمانه بزرگ‌تر از
انرژی آفتاب هست و پر مصرف می‌باشد ویلی دستگاه‌های
کوچک بکس نا وجود دارد که به فامیل‌ها توزیع گردد و توسط
آن بالا استفاده از انرژی آفتاب پخت و پز و تهیه آب چوش
صوت و گرفته می‌تواند.

- طرح پلان‌های منظمی از طرف دولت برای جلب کمک‌های مؤسسات
امدادی و همکاری مردم منطقه و مختصات منطقه ورودی به
جنگل‌ها و محیط زیست برای تطابق تداریک مجوزه.

به میان اوردن بالپاپسی های ملی حفاظت جنگل و محیط زیست.
خیلی‌ها مؤثر خواهد بود که همه، این تدبیر و فعالیت‌ها از طریق یک کمیسیون پرقدرت غیر سیاسی مشتمل بر افراد قابل اعتماد و بانفوذ اداری و غیر اداری منطقی و متخصصین ورزیده اداره گردد. تا هم از تخریب بیشتر جنگل چلوگیری شود و هم در عین حال احیای مجدد آن صورت بگیرد تا به این ترتیب از زیبایی محیط زیست کاسته نشده و مزید بر آن تنوع بیولوژیکی جنگل حفاظت گردد.
خلاصه مطالب درباره جنگل‌های افغانستان

فواید جنگل:
- تدارک مواد سوخت و چوب تعمیراتی.
- تهیه علوفه برای مواد.
- غنای محیط طبیعی و حفظ توازن آن.
- حفاظت خاک از فرسایش آب و باد.
- جلوگیری از شدت سیلابها.
- جلوگیری از ترسбот در بندهای آب و ذخیره، مقدار کافی آب برای آبیاری.
- مانعت از توسعه، دامنه، صحرا.
- استحکام تپه‌های ریگی.
- تحریک حیات وحش.
- تصفیه و تحمیل آب‌های زیرزمینی.
- تولید میوه، خشک مانند: پسته و جلگوره.
- حصول گیاه‌های طبی و نباتات مفیده.
- بهبود تغییر اقلیم از طریق جذب کاربن دای اکساید.
- تصفیه، هوا از گرد و خاک.
- تفریحگاه برای مردم.
عوامل تخریب جنگل:
- قطع درختان جهت استحصال مراد سوخت.
- فقر و بیسوادی اهالی نواحی جنگل و احتیاج به کسب عایدات.
- اداره غیر کافی جنگل.
- تبلیغات غیر كافی در جهت نگهدارش سالم جنگل.
- راهنماي قليل فين در استفاده مناسب و دواوی از جنگل.
- عدم توجه به احیای مجدد و احداث جنگل‌های جديد.
- محدود بودن زمین های زراعتی در مناطق جنگلی و تبدیل نمودن جنگل به زمین زراعتی.
- میسیر نیروی انرژی دیگر از قبیل گاز، برق و غیره در پهلوی چوب و ذغال.
- عدم موجودیت پروگرام منظم در ادارات جنگلداری.
- فروش و صدور بدون کنترول چوب جنگل.
- فقدان پالیسی ملی برای حفاظت جنگل و محیط زیست.

تدابیر و سفارش ها:
- تقویت قواي بسري از طریق ایجاد پروگرام كار جهت کسب مزد و عایدات برای اهالی مناطق جنگل.
- فراهم آوری زمینه جهت دریافت كریدت برای مردمان کوهستان.
- نشین که در ساحه احیای جنگل و محیط زیست فعالیت دارد.
- دریافت طرح بهتر جمع‌آوری و پرسپکتیو گیاهان طبی و نباتات.
- میفیده و بازاریابی برای آنها.
- تبلیغات لازمه برای نگهدارش سالم جنگل.
- ایجاد پروگرام‌های مؤثر برای احیای مجدد و احداث جنگل‌های...
جديد برای رفع ضرورت چوب تعمیراتی و مواد سوخت.
- دادن ارزش به سهم زنان در حفاظت جنگل و تنویب آنها از طریق تعیینات محيطی.
- جستجوی منابع دیگر انرژی مانند: تولید گاز، نصب دستگاه‌های کوچک تولید برق آبی و انرژی آفتاب به غرض صرفه جویی از چوب و ذغال.
- وضع معيارهای معین قطع درخت در بیک سال از طرف اداره جنگل‌ها.
کتابخانه‌های سیار اریک آین کتاب‌ها را منتشر کرده است:

1. انگلستان عمری جغرافیه
2. جغرافیای عمری انگلستان
3. انگلستان تاریخ و دانش
4. پتانسیل تاریخ انگلستان
5. انگلستان محل خانه
6. ورشتهای محل انگلستان
7. سیستم‌های طبیعی
8. کانال‌های
9. زده کر چی ورودی چه کرد؟
10. بیا مزرعی تا بیماری‌لایه
11. په انگلستان، کی د چاپ‌ی پس مانی
12. منافع محبتیت ریست، در انگلستان
13. په انگلستان کی د بریزگیر او
14. با گروه‌های یا روزنه
15. تیم‌های موهای نیز
16. په انگلستان
17. زیاده در انگلستان
18. په انگلستان کی زائر
19. من‌هی کر و جامعه
20. من‌هی کر و توله
21. په انگلستان لنوکی تاریخ
22. تاریخ فردی، انگلستان
23. په انگلستان زی، درانه
زنده‌گی نامه مختصر نویسنده
پوهاند دکتر احمد نظام‌زاده، جلال مسعود سال: ۱۳۱۰ هـ، (۱۹۳۱-۱۱-۲۷) در شهر کابل.
تحصیلات: لیسب اساسی کابل ۱۳۲۹ هـ، لیسب اساسی در رشته بیولوژی پوهاند میوئونی (۱۳۲۶) دکتر نا در رشته بیولوژی پوهاند میوانیه آلمان (۱۳۲۸ هـ).
وظایف: از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۹۷ بـ هر سال، اساسی استاد در پوهاند میوانیه کابل، نگرکننده، اسلامی پیشواز، بن آلمان، رئیس باش وش کابل، رئیس شفاخانه جلال آزاد و در پست‌های مختلف اداری در وزارت‌های صحت علما، تعليم و تربیه وزارت افغانستان انجام وظیفه نموده است.
پوهاند جلال در سیاست‌های مختلف ملی و بین‌المللی اشتراک روز‌های است.
آمار: بیش از صندلی بر ایشان به سطح ملی و بین‌المللی انتشار یافته است.